

علم أصول الفقه

٩١

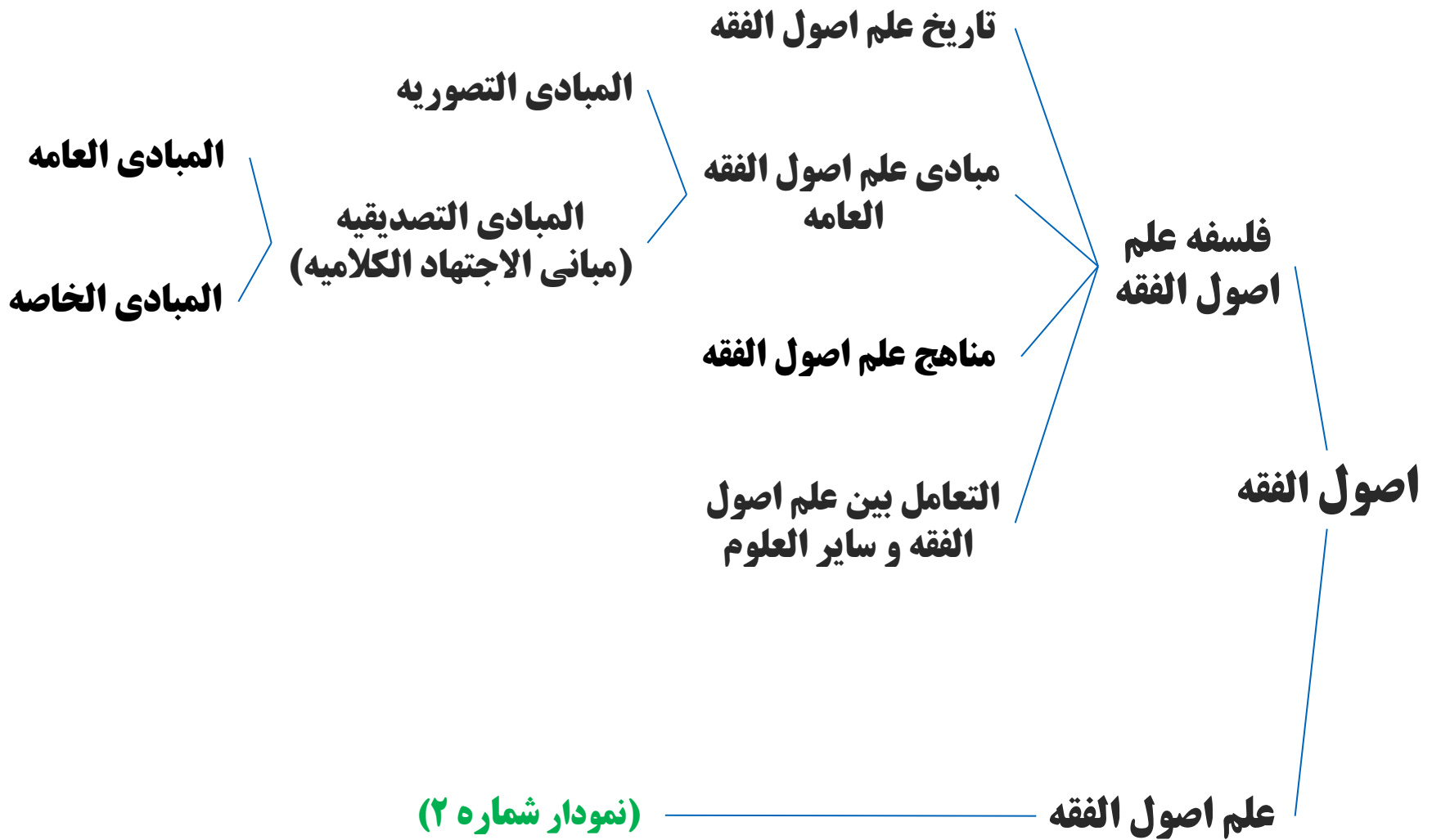
مباحث الفاظ ٢٠-٢-٩٤

دراسات الأستاذ:
مهدي الهادي الطهراني

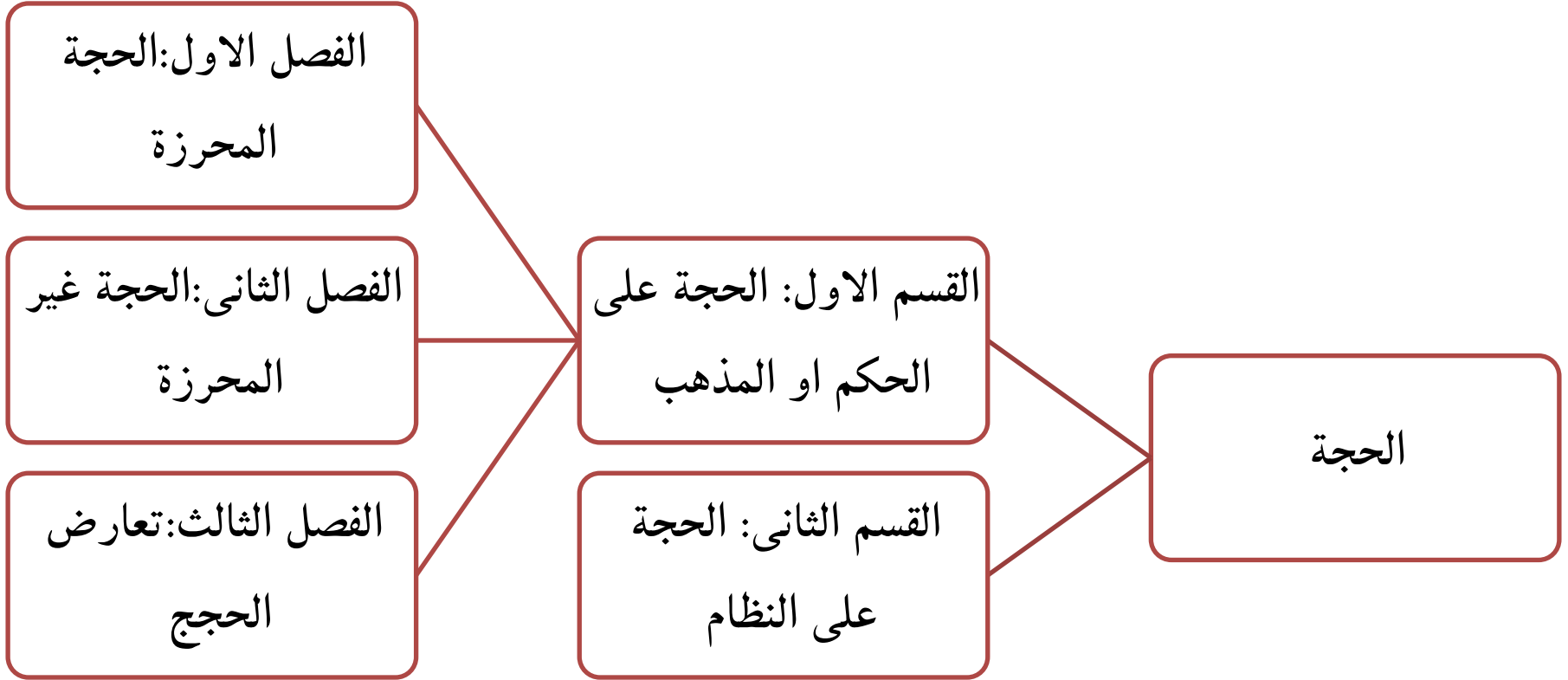
شَرُّ الدَّوَابِّ

- إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الَّذِينَ كَفَرُوا فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ (٥٥)
-

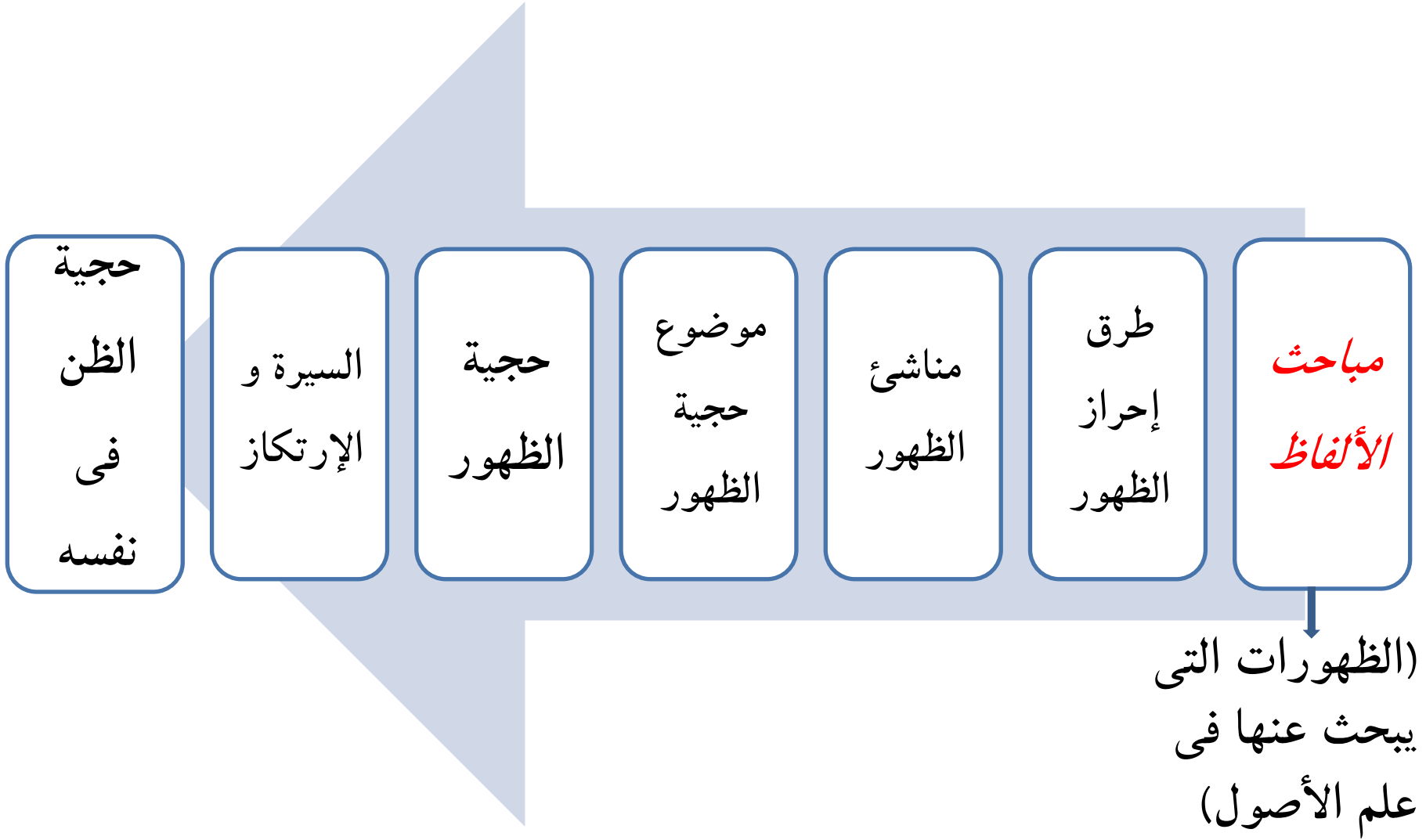
(نمودار شماره ۱)

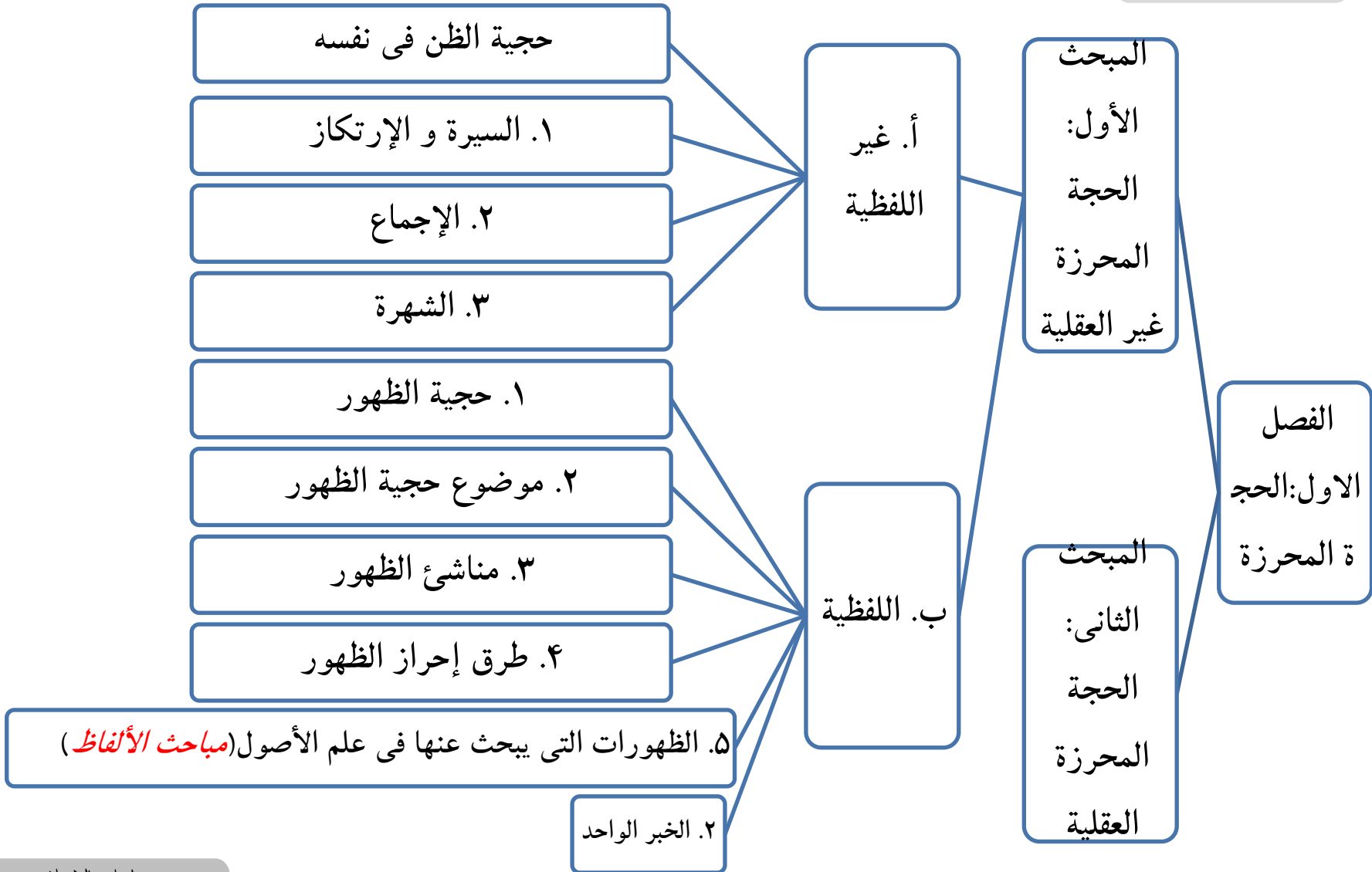


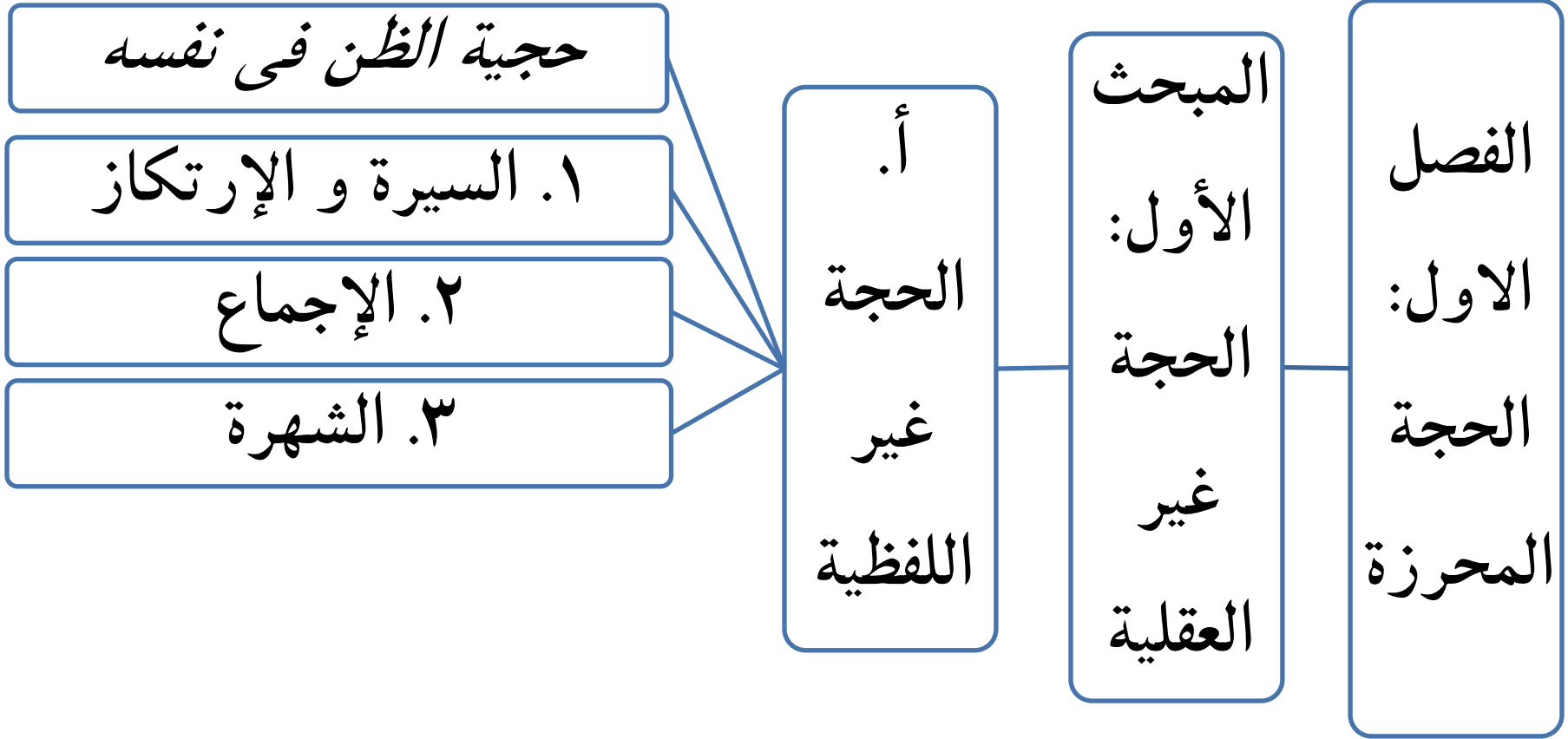
علم اصول الفقه

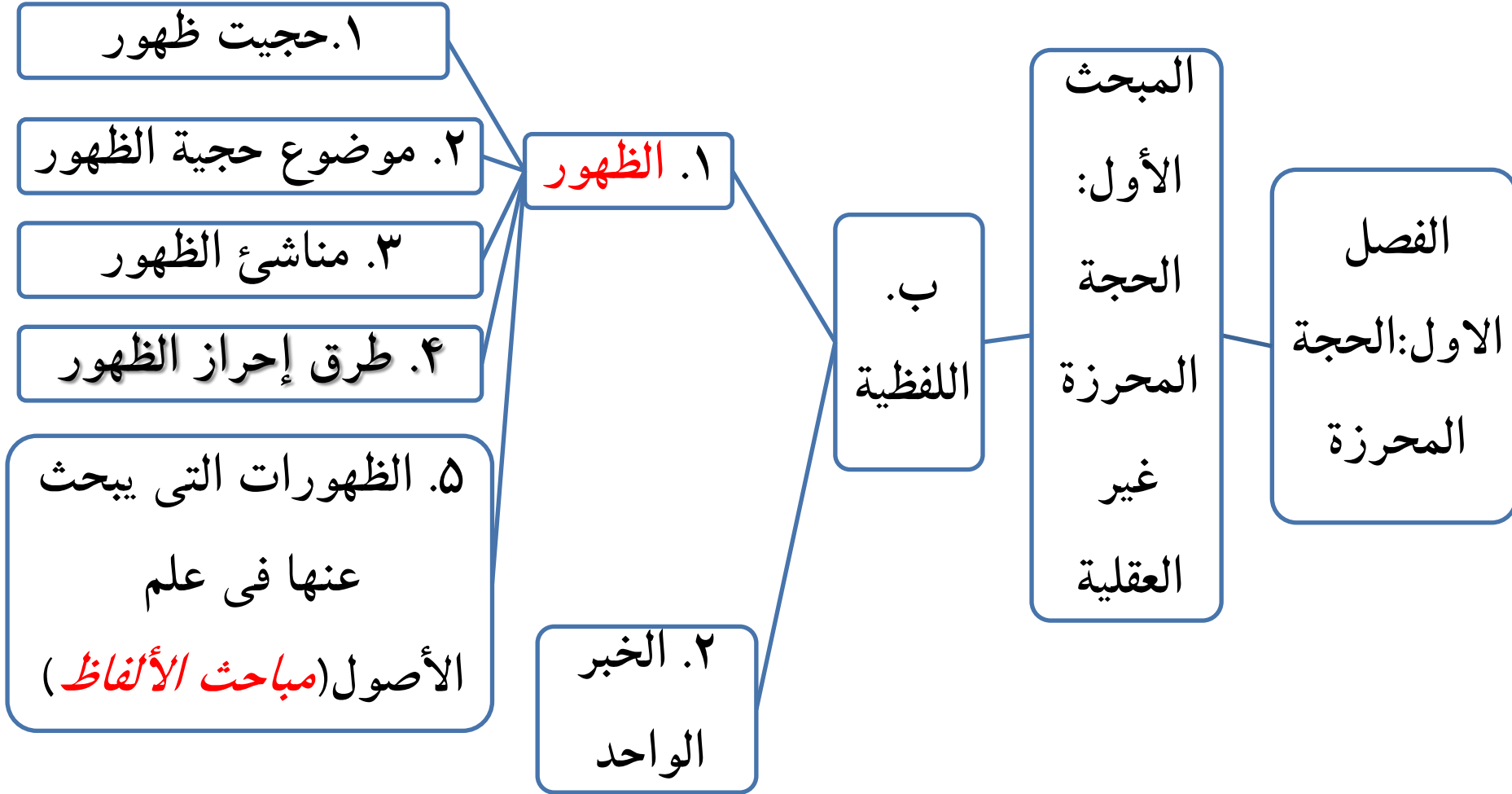


ترتيب اصول متعارف









مباحث الفاظ قديمی ترين بحث های علم اصول

از قديمی ترين بحث
های علم اصول

مصاديق و
صغريات ظهورات

مباحث الفاظ

۲- تفاوت کار اصولی و لغوی در بحث الفاظ

در زبان شارع
وارد شده باشد

بحث الفاظ
اصول

۱- اصولی بودن مباحث الفاظ

حجت شرعی که
به باب خاصی
از ابواب فقہ فی
حد نفسه
اختصاص
نداشته
باشد(عناصر
مشترک در
فرآیند استنباط)

معیار اصولی
بودن

1- اصولی بودن
مباحث الفاظ

۲- تفاوت کار اصولی و لغوی در بحث الفاظ

در زبان شارع وارد
شده باشد

عنصر مشترك در
فرآیند استنباط را
تشکیل دهد.

بحث الفاظ اصول

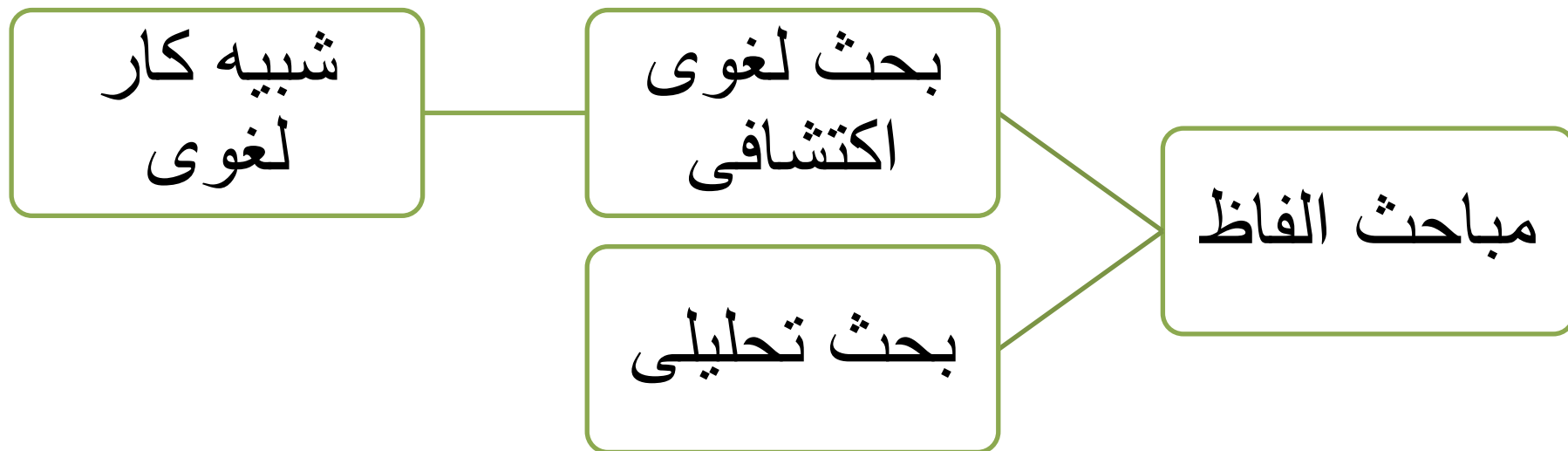
۲- تفاوت کار اصولی و لغوی در بحث الفاظ

بحث لغوی
اکتشافی

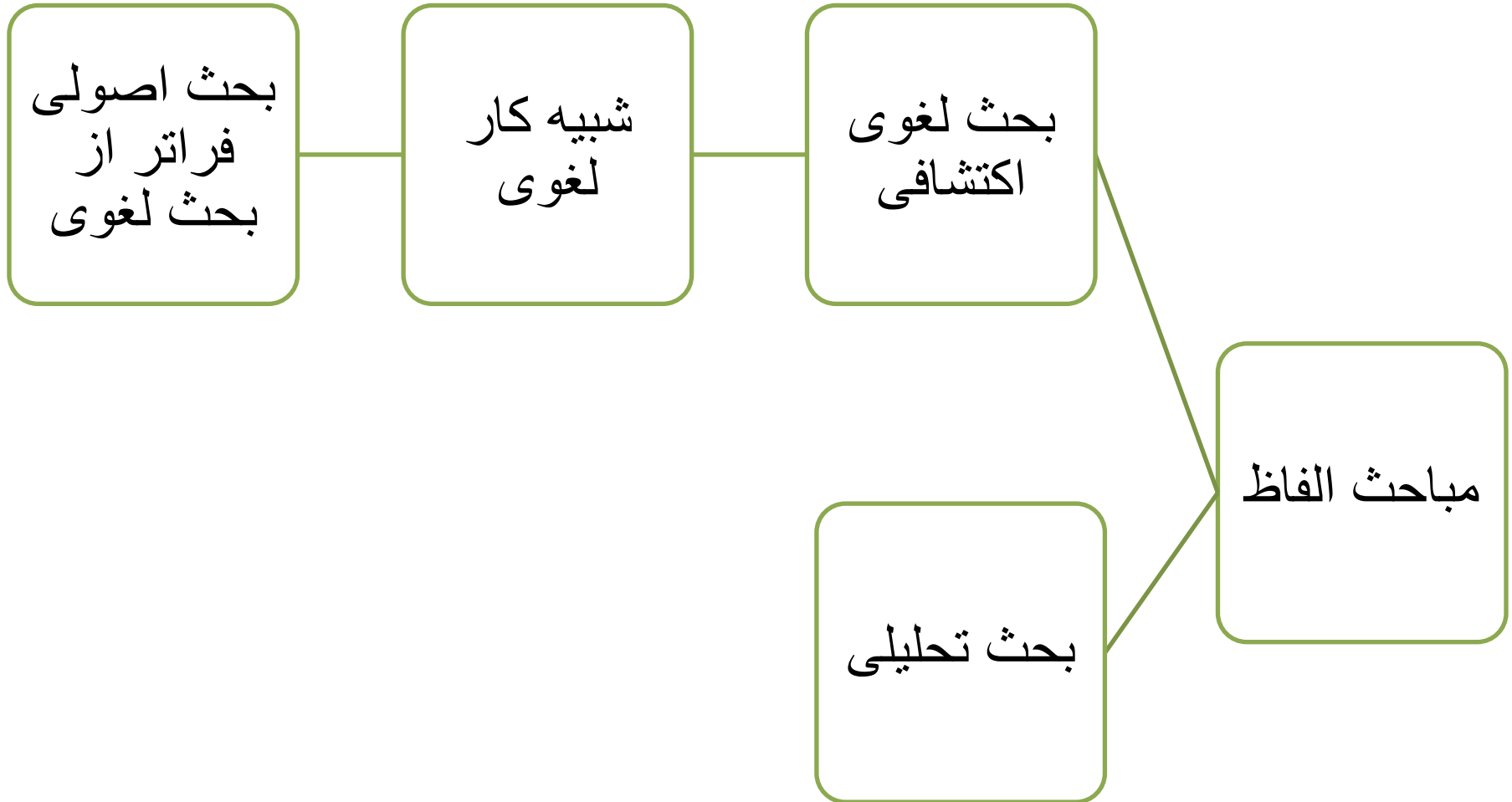
بحث تحلیلی

مباحث الفاظ

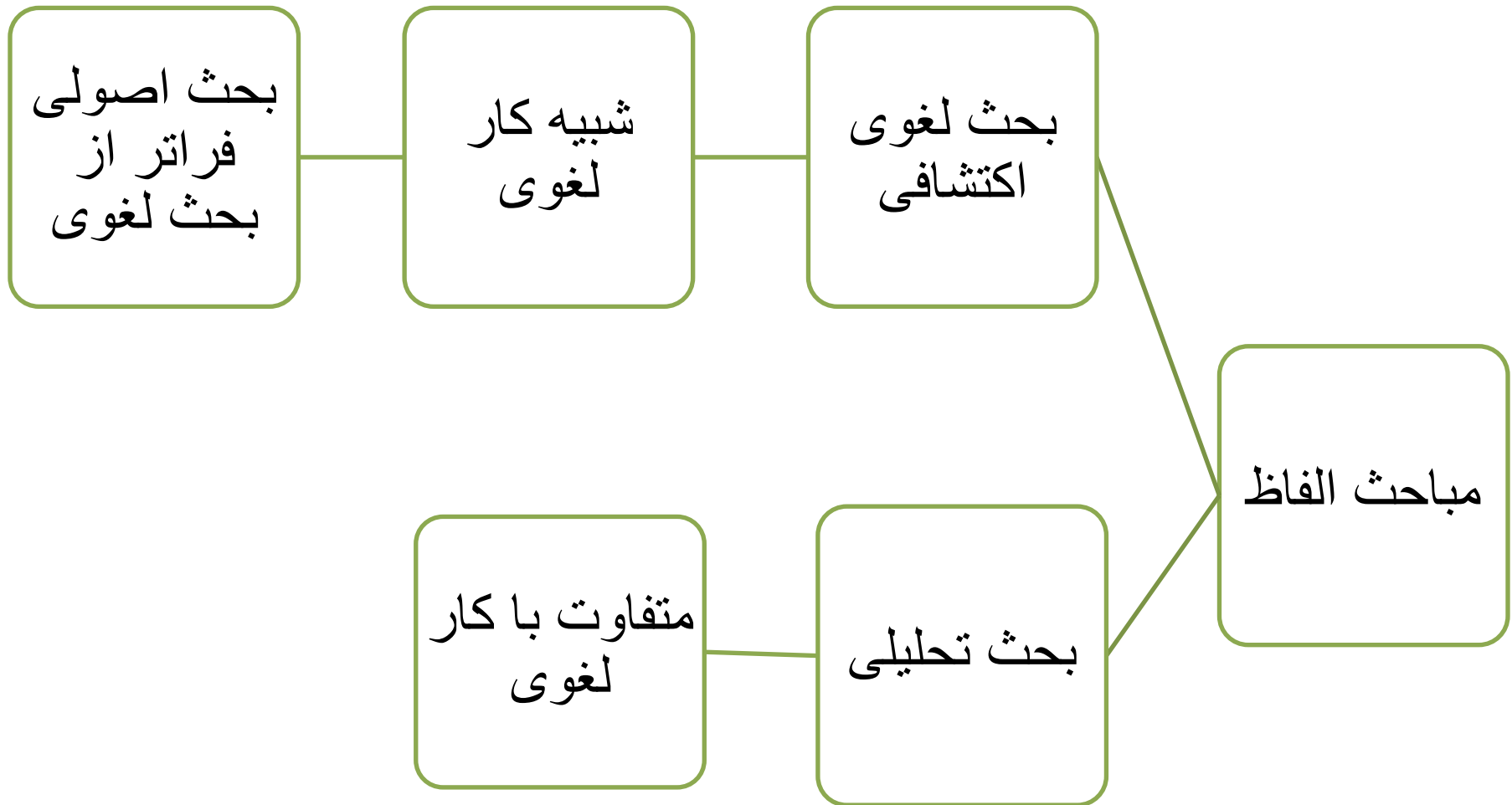
۲- تفاوت کار اصولی و لغوی در بحث الفاظ



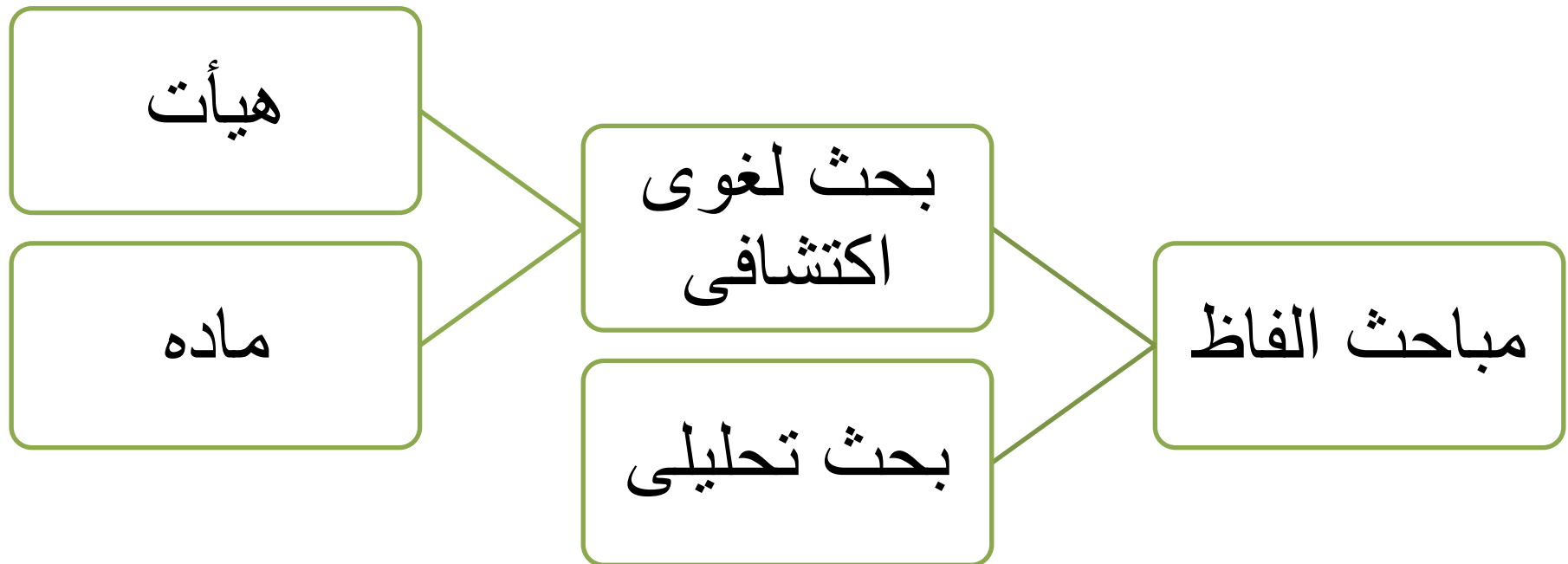
۲- تفاوت کار اصولی و لغوی در بحث الفاظ



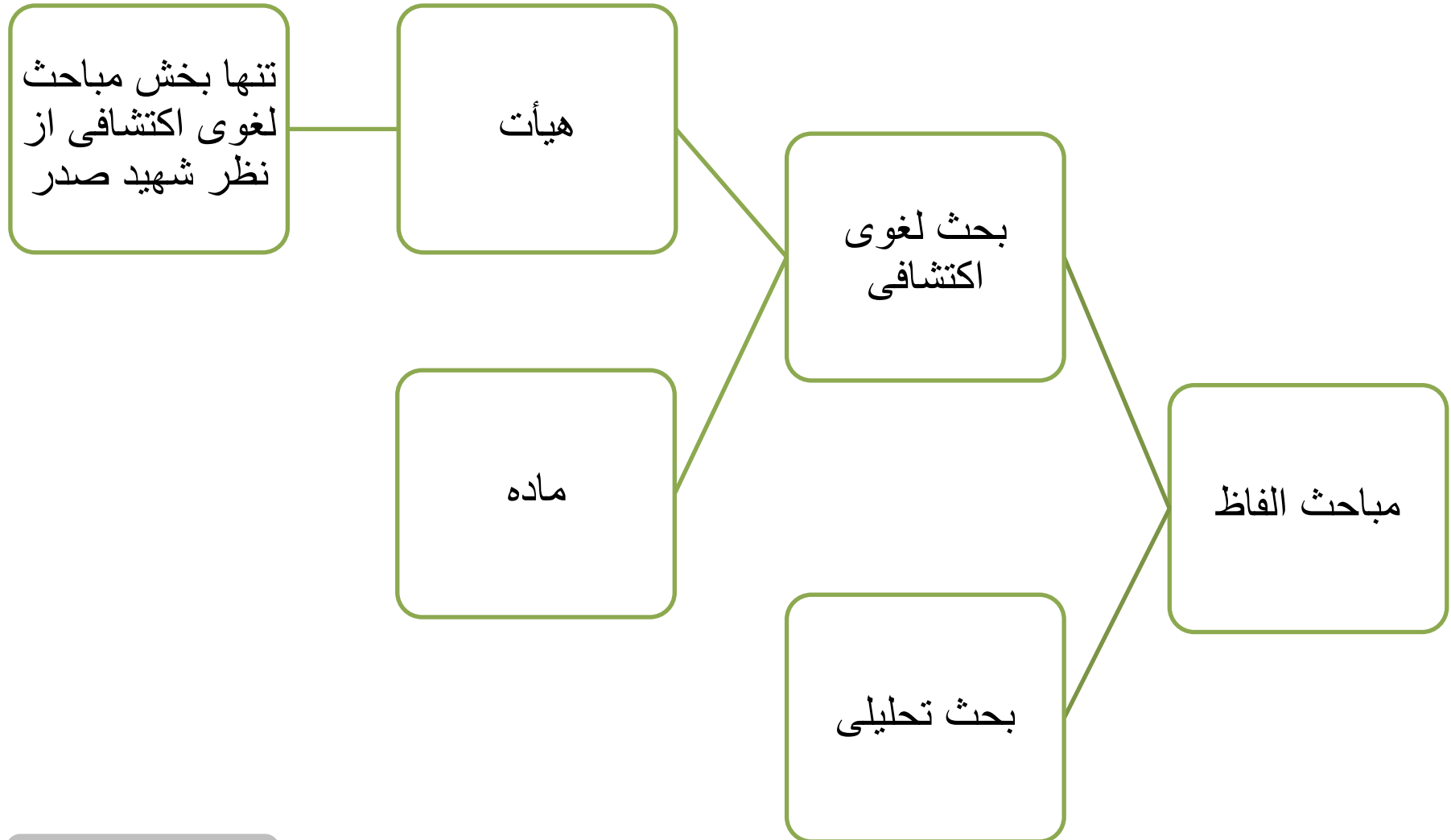
۲- تفاوت کار اصولی و لغوی در بحث الفاظ



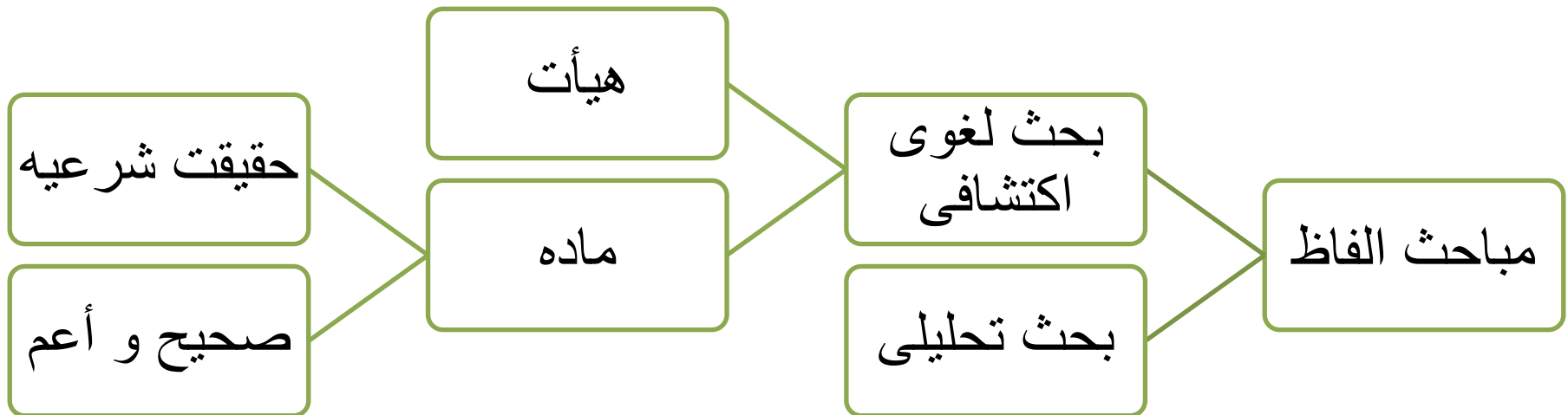
۲- تفاوت کار اصولی و لغوی در بحث الفاظ



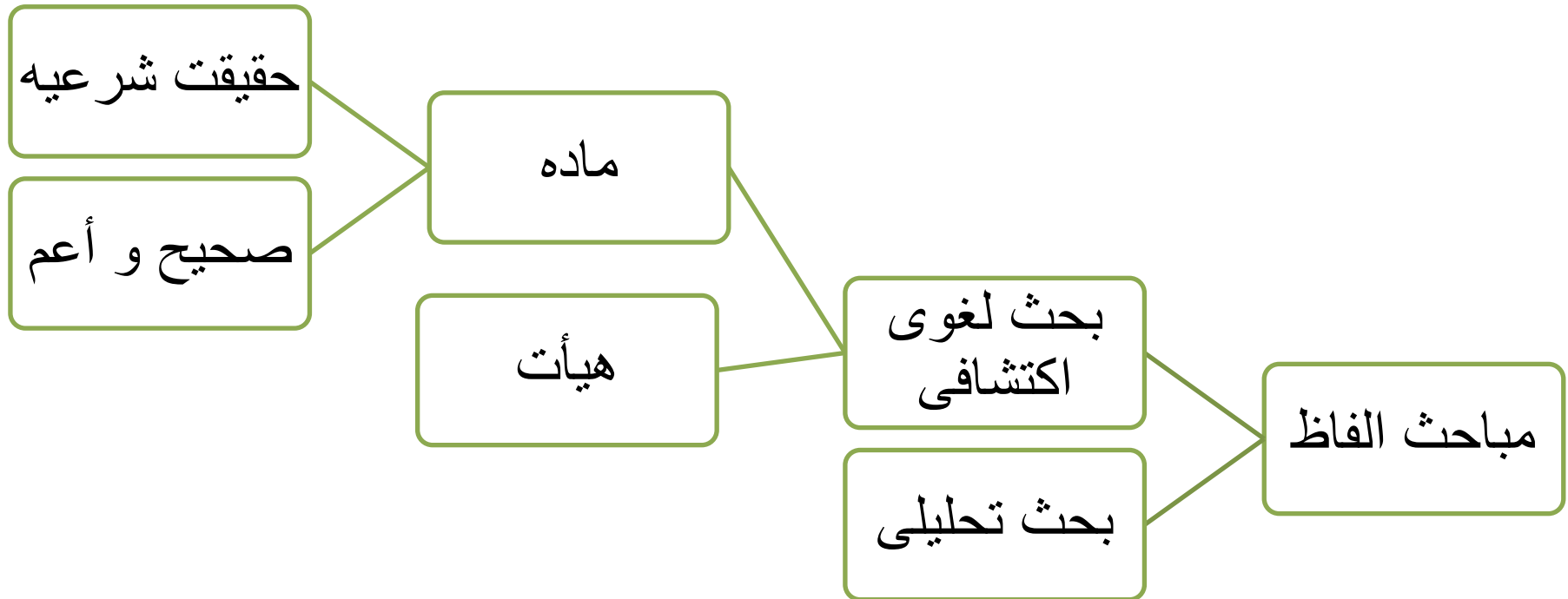
۲- تفاوت کار اصولی و لغوی در بحث الفاظ



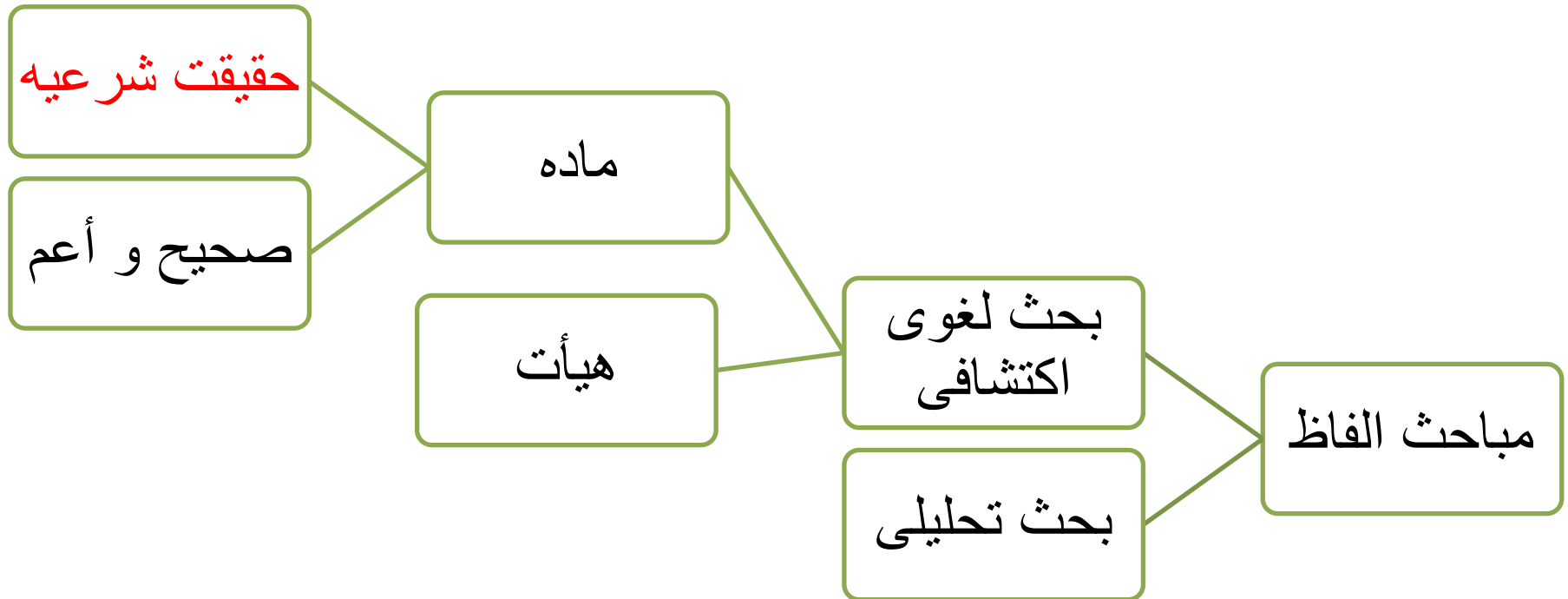
۲- تفاوت کار اصولی و لغوی در بحث الفاظ



۲- تفاوت کار اصولی و لغوی در بحث الفاظ



۲- تفاوت کار اصولی و لغوی در بحث الفاظ



۱- حقیقت شرعیہ

- ۱- حقیقت شرعیہ
- موضوع بحث حقیقت شرعیہ الفاظی است که در شریعت دارای معنای خاص هستند. یا به تعبیر دیگر جزء مصطلحات شرعی محسوب می‌شوند؛ مثل صلاة، صوم، حج، زکات، تیمم، وضو و غسل.
- بنابراین کلماتی چون السماوات و الزيتون که در قرآن به کار رفته است؛ ولی دارای معنای شرعی نیستند، از محل بحث خارج هستند.

١- حقيقة شرعية

مصطلحات
شرعية

حقيقت
شرعية

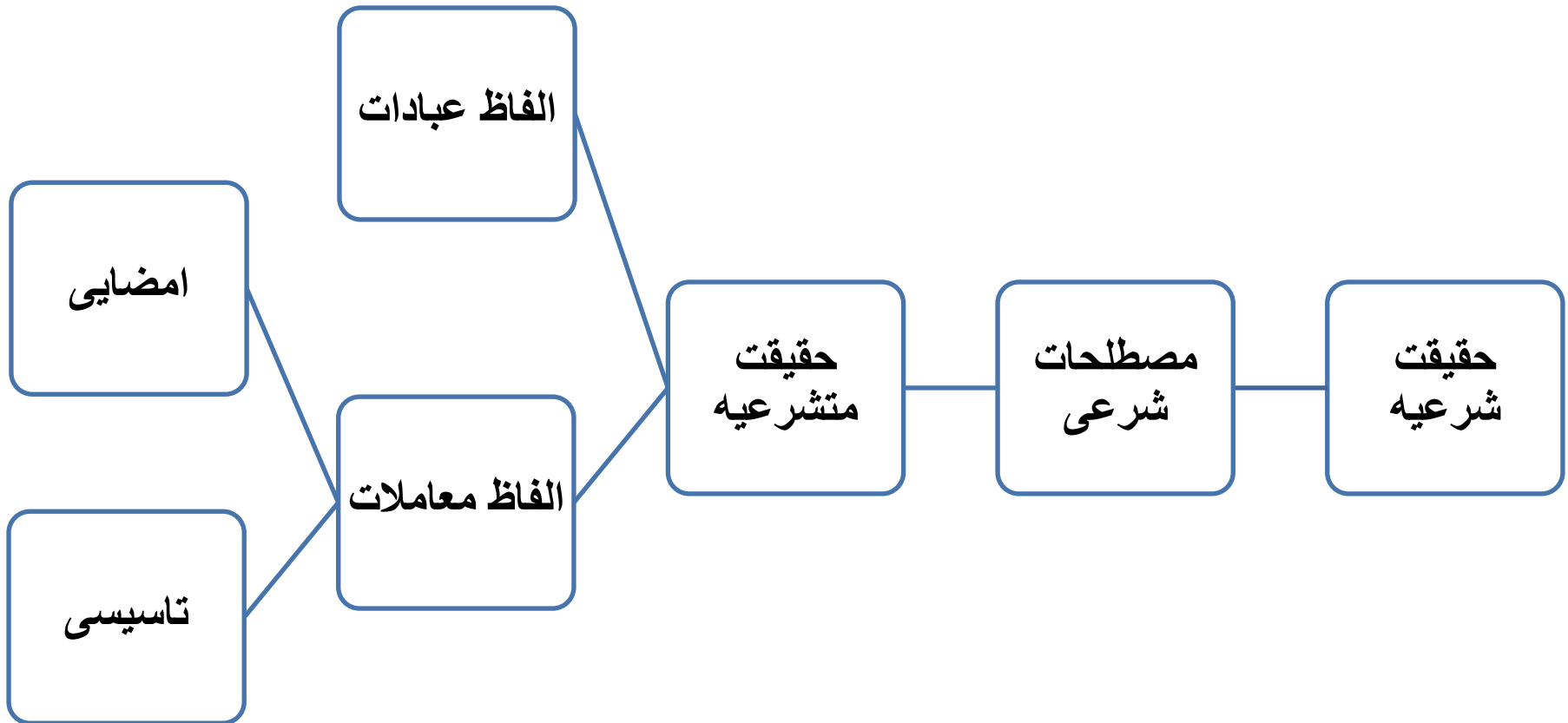
١- حقيقة شرعية

حقيقت
متشرعيه

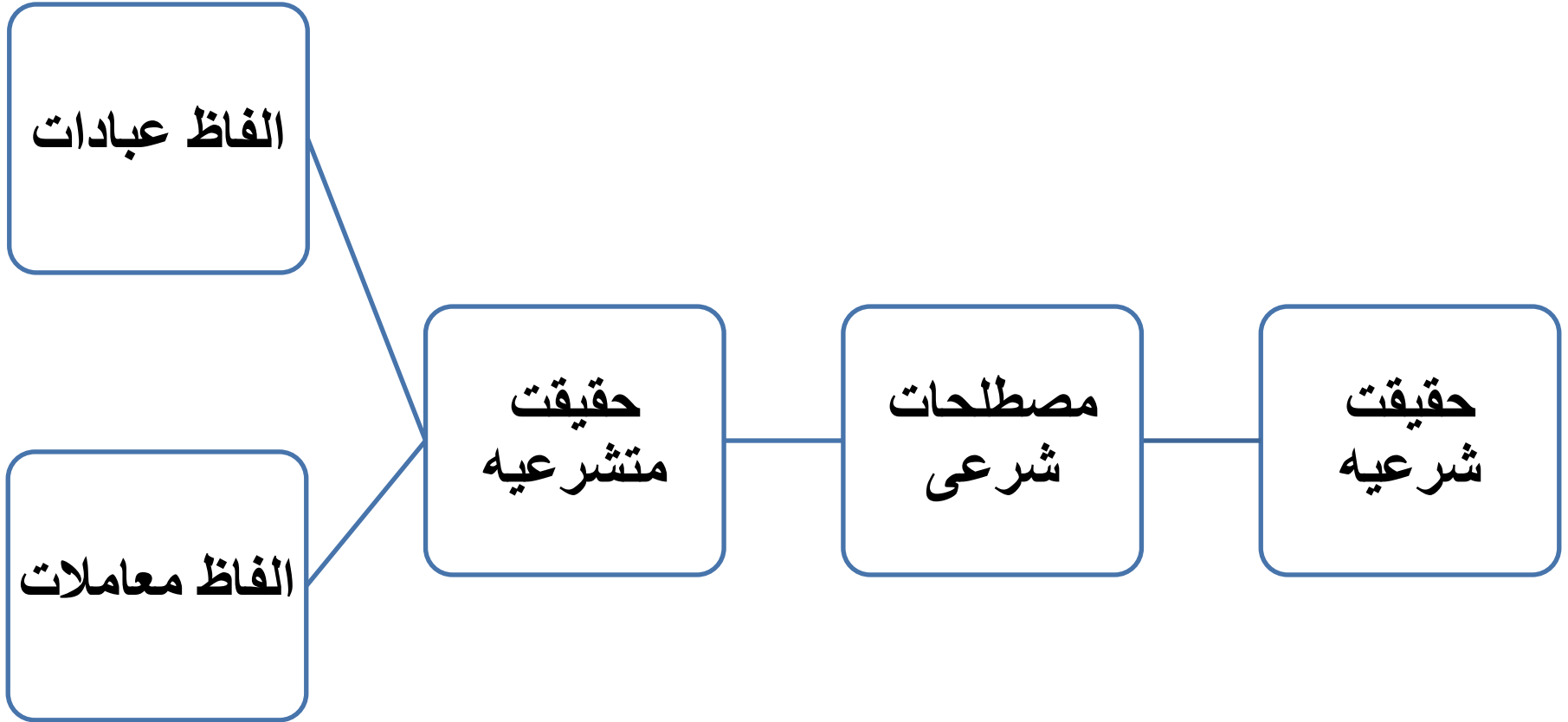
مصطلحات
شرعي

حقيقت
شرعيه

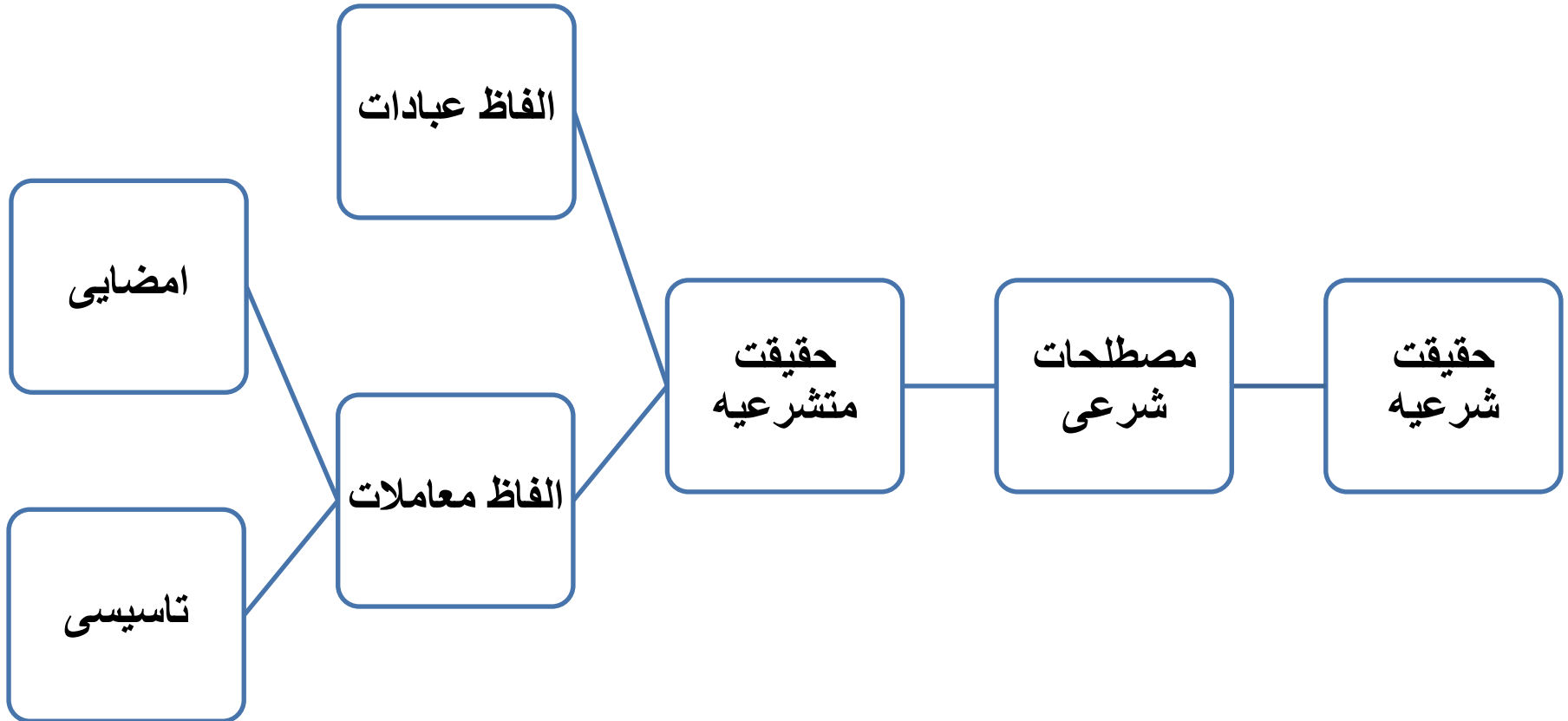
١- حقيقت شرعيه



١- حقيقت شرعيه



١- حقيقت شرعيه



۱- حقیقت شرعیه

- در مورد بیع و شراء هم که در لسان شارع به کار رفته است، احتمال نمی‌دهیم که شرع این‌ها را ایجاد کرده باشد و به تعبیر دیگر دارای معنای شرعی باشند و می‌دانیم این‌ها دارای معنای عرفی هستند؛ البته در مورد بعضی از معاملات مثل برخی ایقاعات چون خلع و مبارات گفته‌اند این‌ها اصطلاح شرعی هستند. به هر حال ما الفاظی را بحث می‌کنیم که در زمره مصطلحات **شرعی** شخصی است و به اصطلاح اصولی‌ها یک حقیقت متشرعیه دارد؛ یعنی در لسان متشرعیه یک معنایی متفاوت با معنای نزد غیر متشرعیه دارد.

۱- حقیقت شرعیه

- سؤال اصلی بحث سؤال این است که آیا این الفاظی که امروز یک حقیقت متشرعیه دارند و در لسان متشرعه معانی غیر از معانی لغوی و عرفی را دارا هستند، از سوی شارع برای این معانی وضع شده‌اند یا نه در اثر استعمال در این معانی کم کم حقیقت شده‌اند بدون اینکه از ناحیه شارع برای این معانی وضع شده باشند.

۱- حقیقت شرعیہ

- بنابراین مفروض مسأله این است که این الفاظ امروز در لسان متشرعه دارای معانی ای هستند متفاوت با معانی لغوی و معانی عرفی آن ها به این معنا که یک زمانی این الفاظ از آن معانی لغوی یا معانی عرفی به این معانی شرعی در لسان متشرعه نقل پیدا کرده اند.
- برای مثال آیا شارع لفظ صلاة را برای آن چیزی که ما امروز به آن نماز می گوئیم، وضع کرده است؟

۱- حقیقت شرعیہ

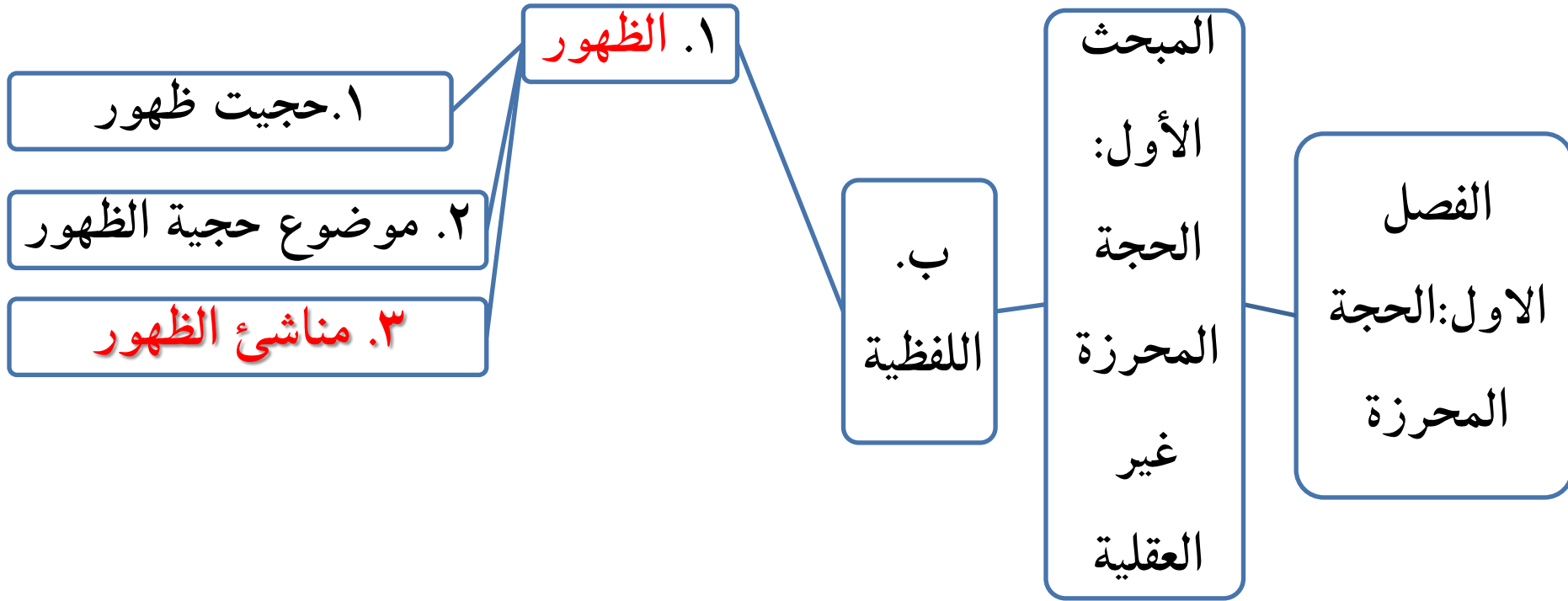
- قدما مسأله را در این حد در اصول مطرح می کردند و بازگشت آن به این سؤال است که آیا این حقایق متشرعیہ دارای حقیقت شرعیہ هستند یا نه.

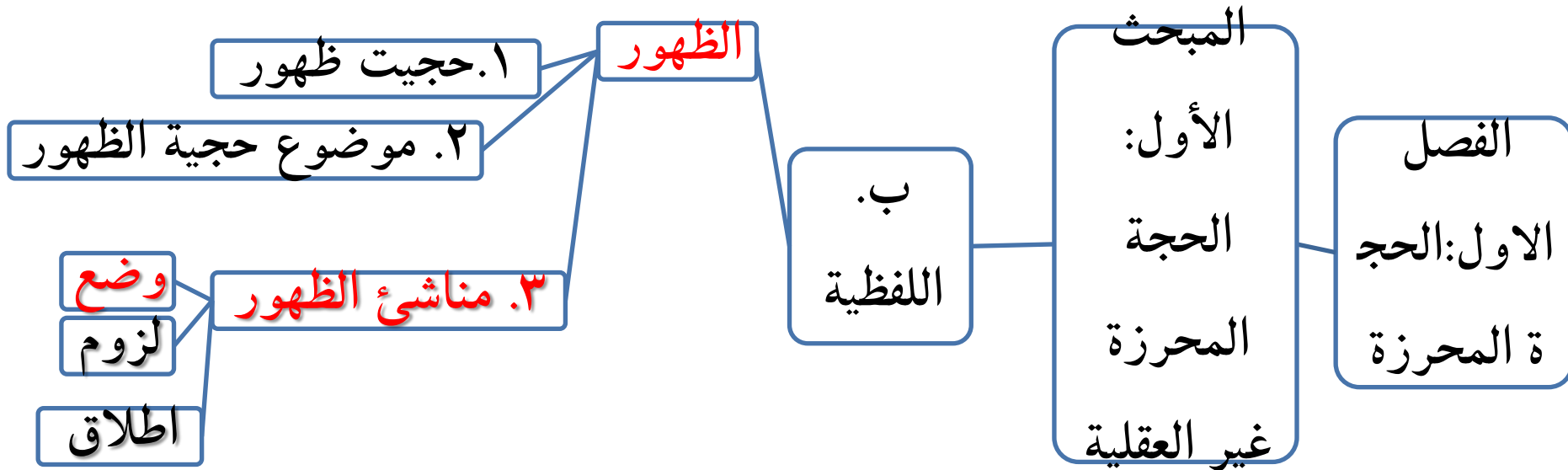
۱- حقیقت شرعیہ

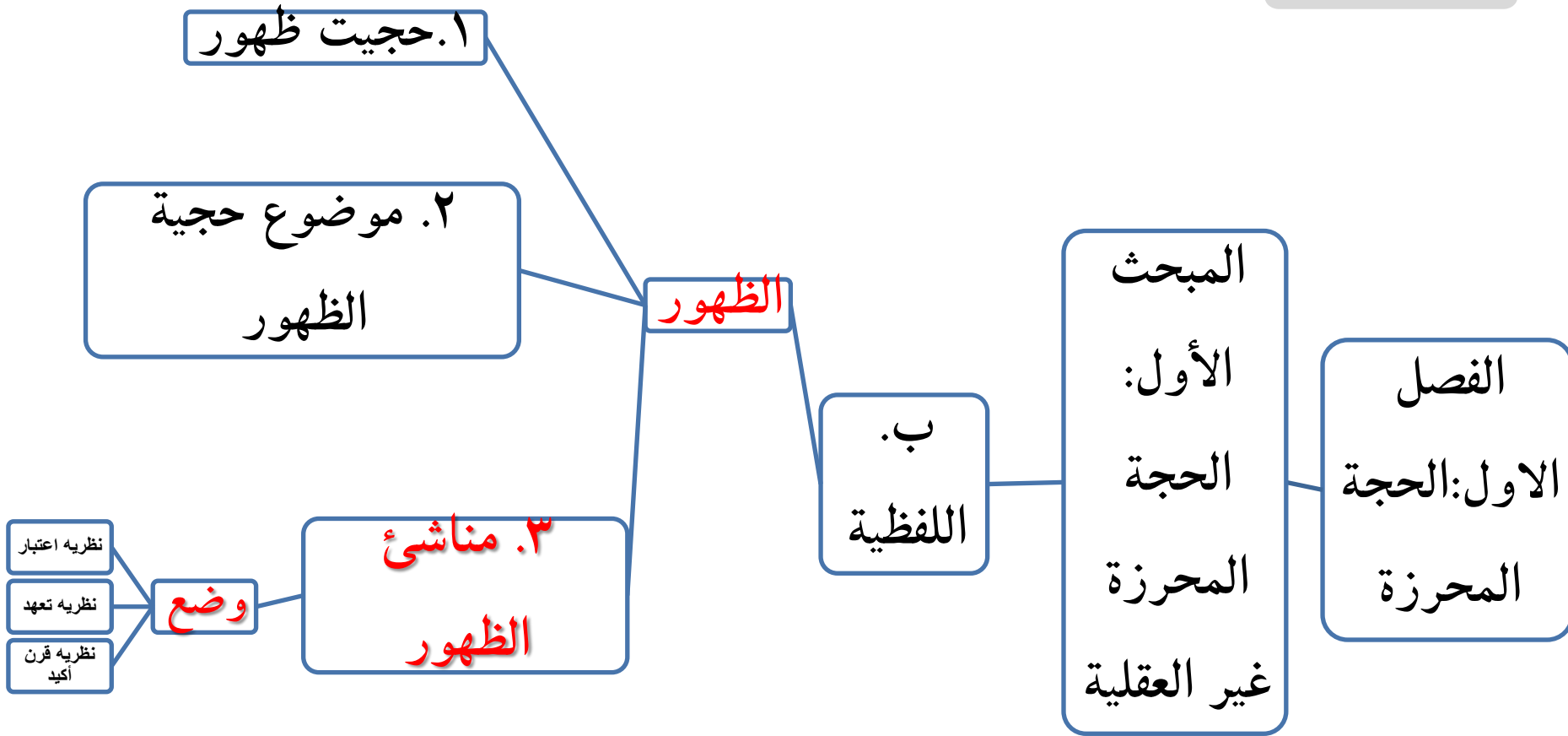
- وضعی که شارع می‌توانسته در مورد این الفاظ داشته باشد یا وضع **تعینی** است به این معنا که شارع از ابتدا این الفاظ را برای این معانی وضع کرده باشد یا وضع **تعینی** است به این معنا که در **خصوص لسان شارع** و نه در لسان متشرعه و نه لسان شارع و متشرعه این الفاظ به کثرت در معانی شرعی استعمال شده‌اند به گونه‌ای که حقیقت شده‌اند.

فایده بحث از حقیقت شرعیہ

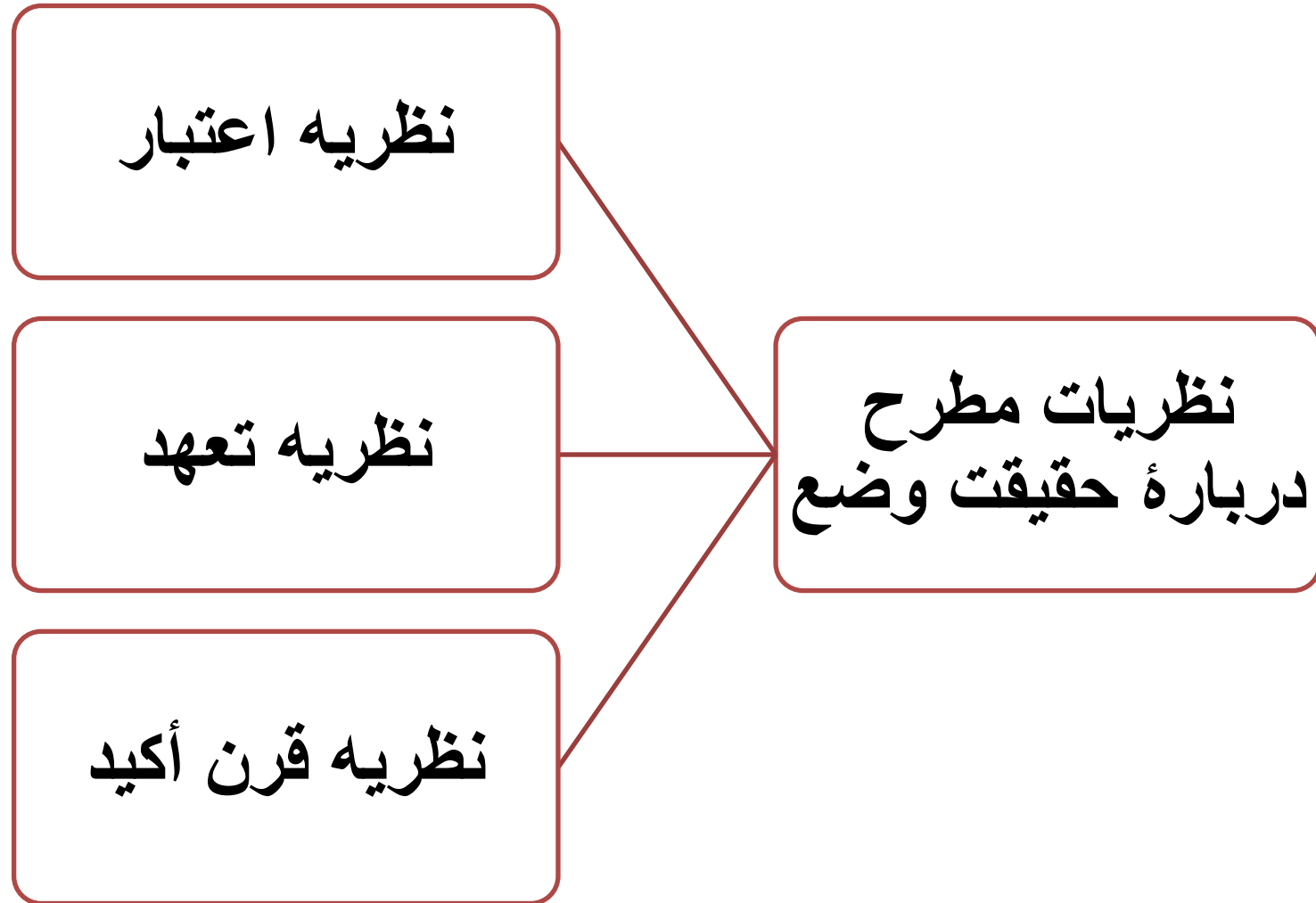
- پاسخ به سؤال اصلی بحث
- برای پاسخ به سؤال اصلی بحث ابتدا اشاره ای به انواع وضع خواهیم داشت.
- وضع را به دو قسم تقسیم می کنند: تعینی و تعینی.



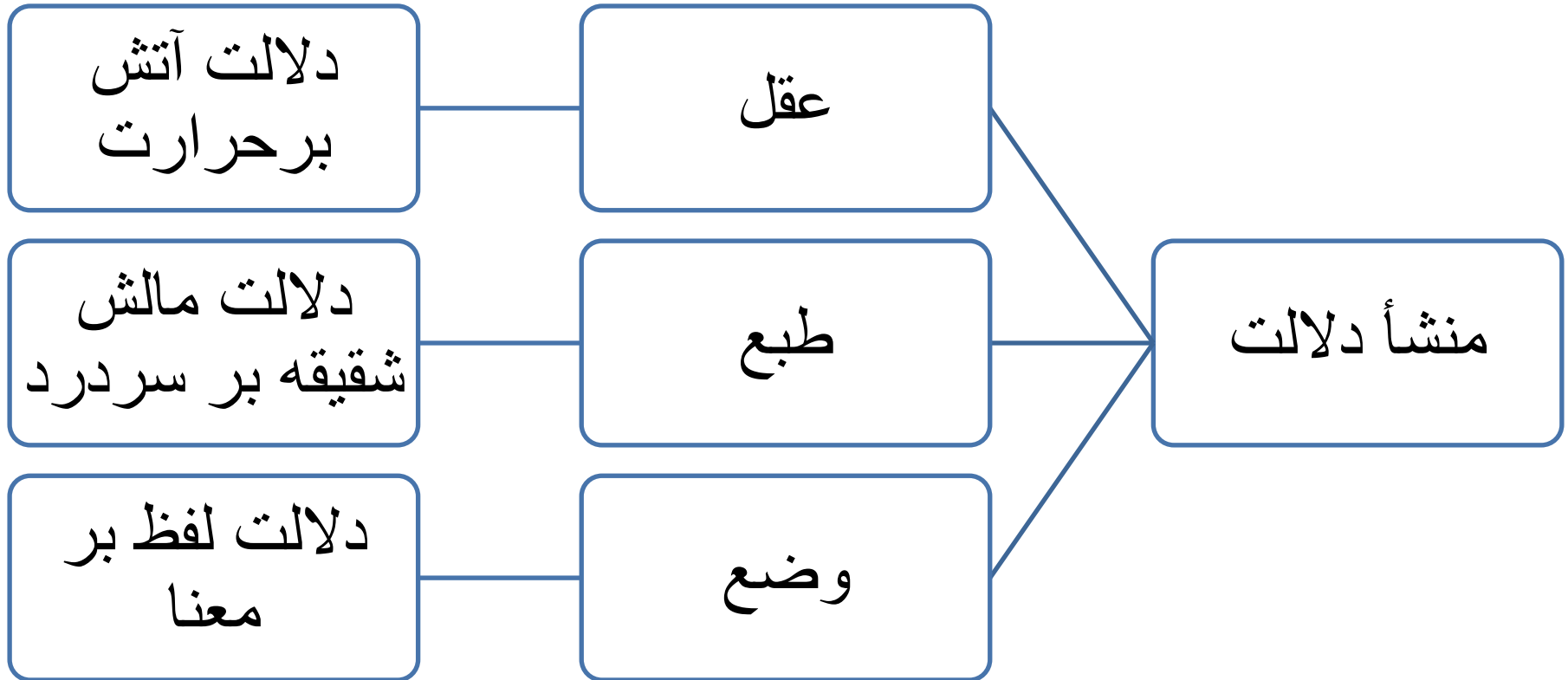




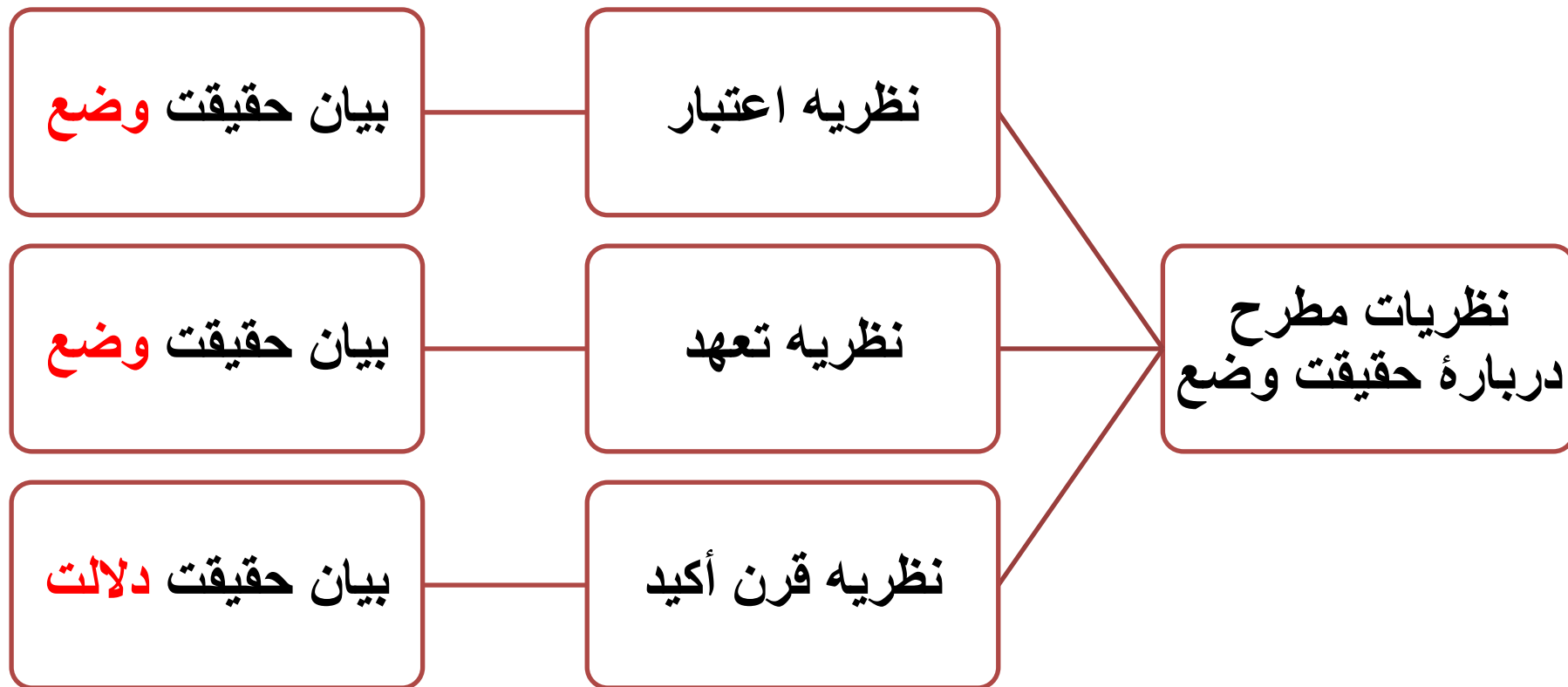
وضع یکی از مناشیء ظهور



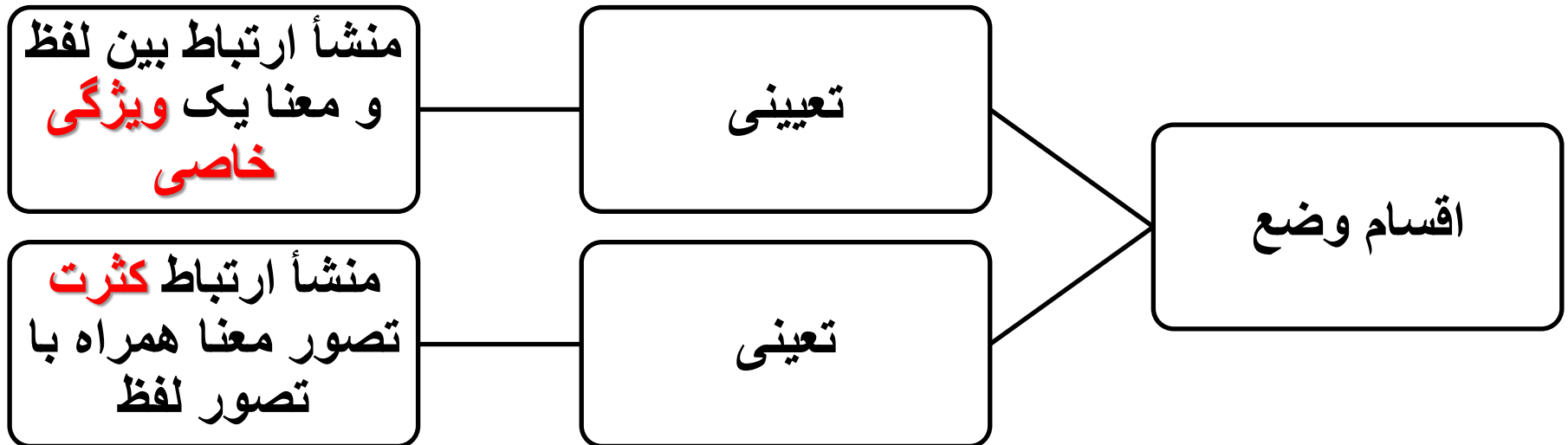
وضع یکی از مناشیء ظهور



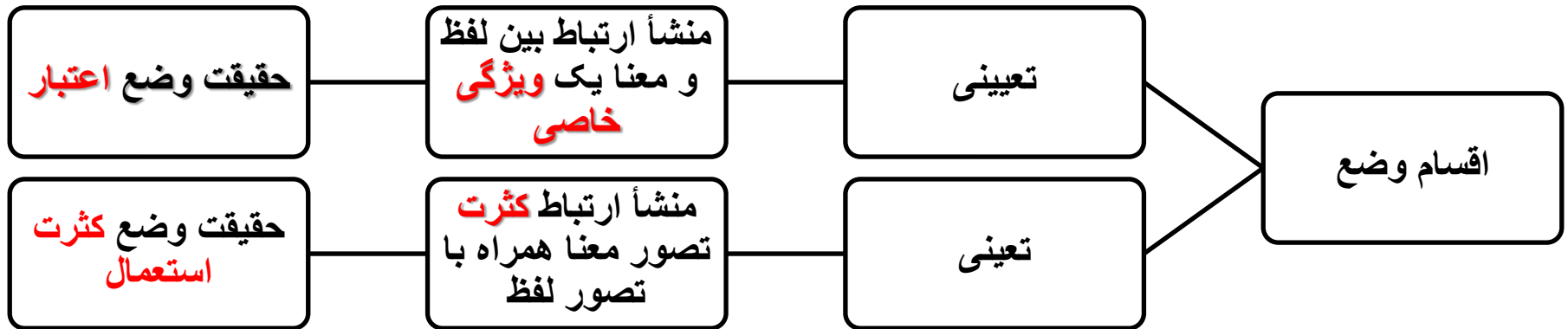
وضع یکی از مناشیء ظهور

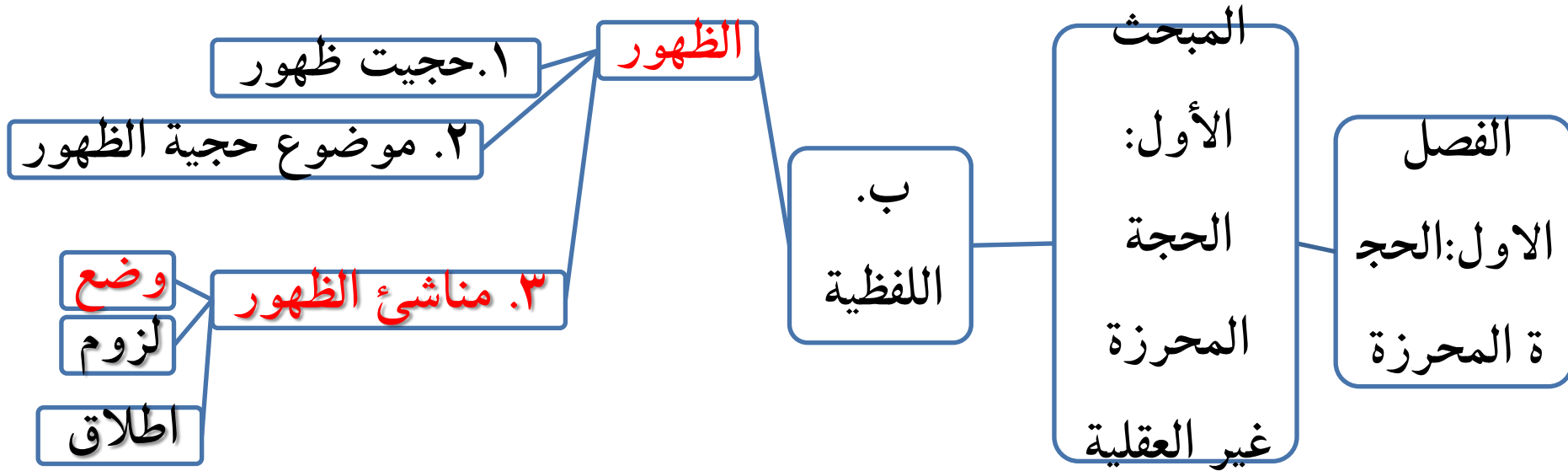


وضع یکی از مناشیء ظهور

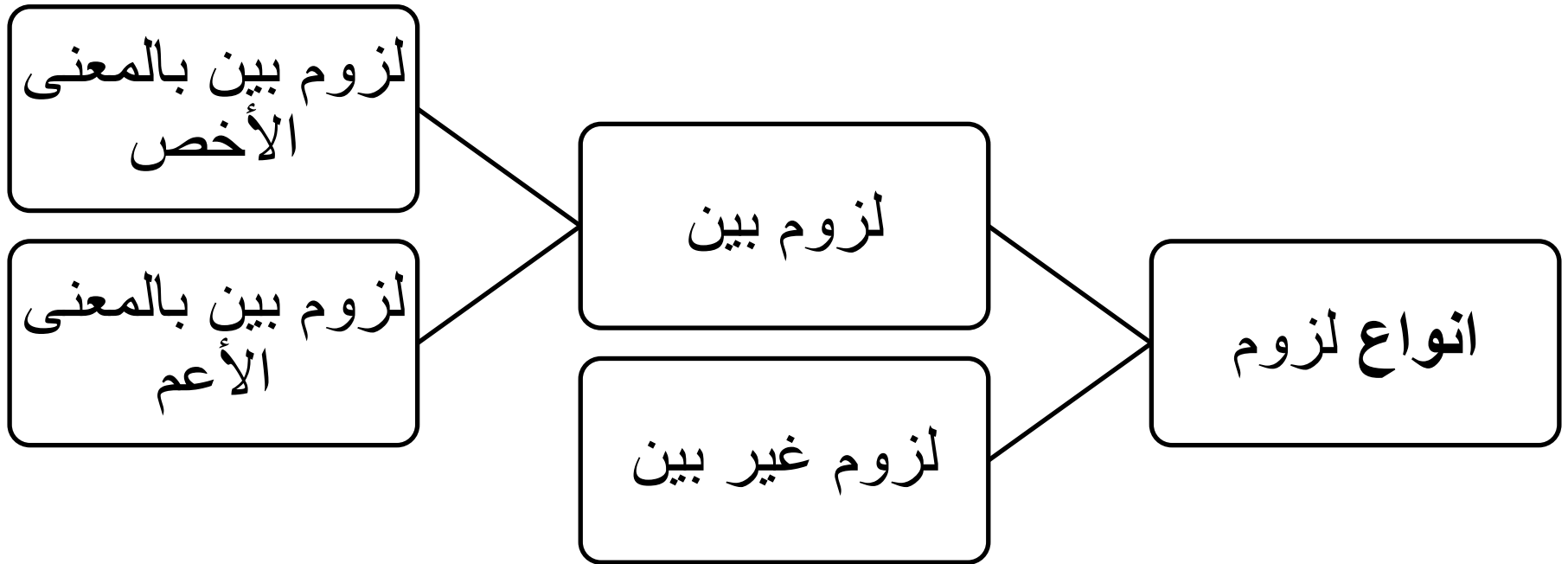


وضع یکی از مناشیء ظهور

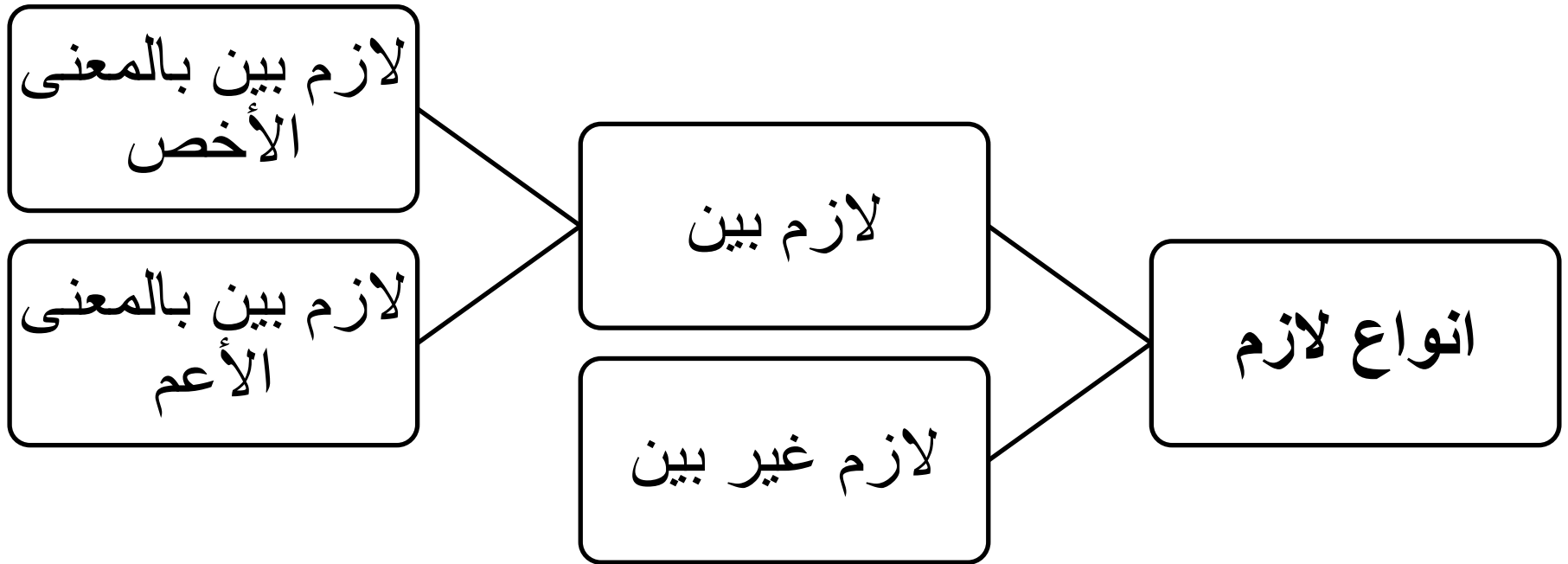




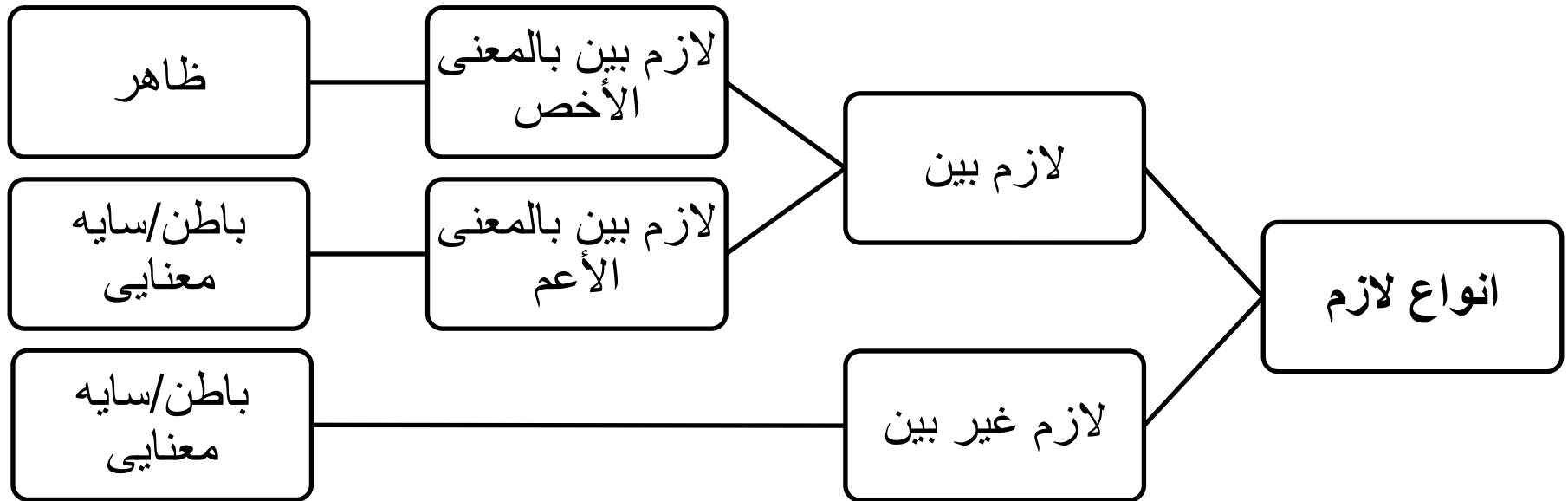
لزوم یکی از مناشیء ظهور



لزوم یکی از مناشیء ظهور



لزوم یکی از مناشیء ظهور



استعمال
مجازی

تصور لفظ

تصور معنای
موضوع له

تصور لازم
بین معنای
موضوع له

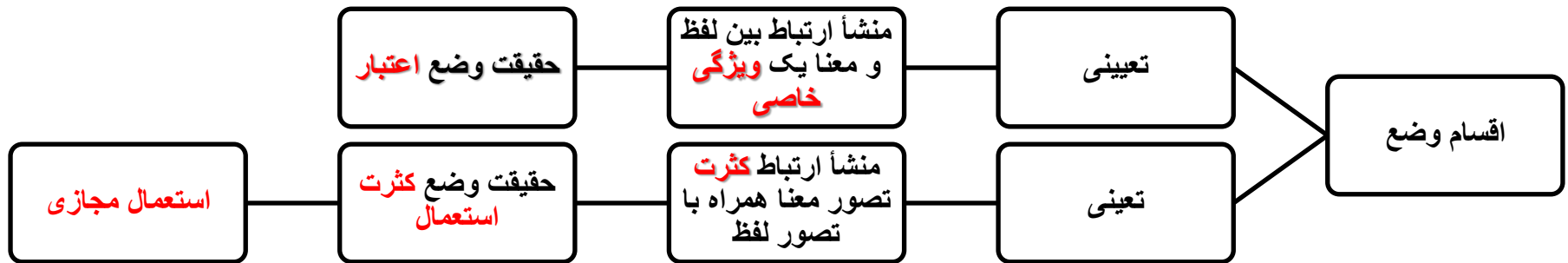
استعمال
مجازی

تصور لفظ

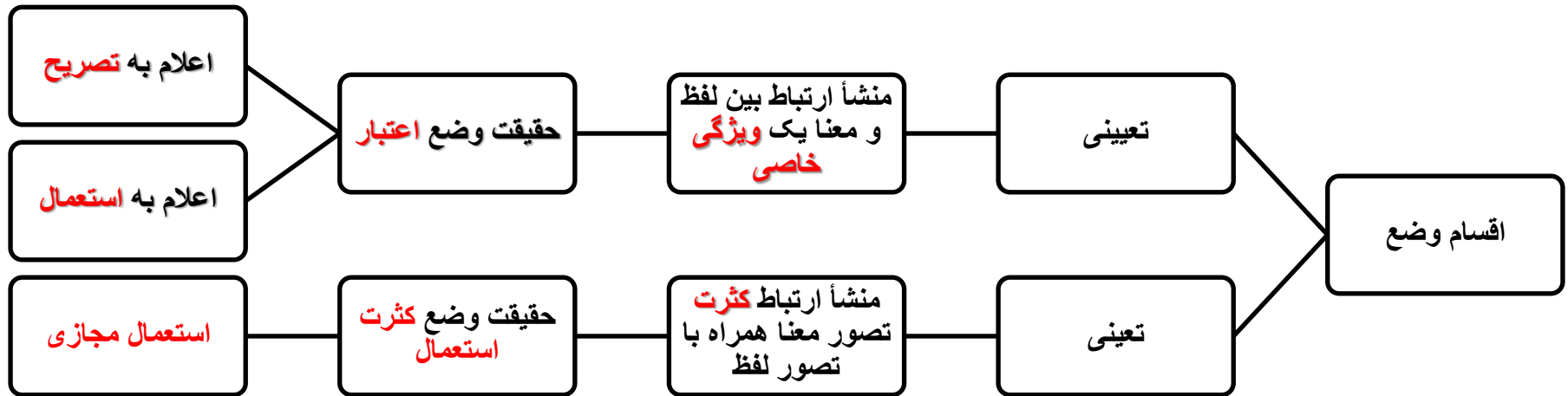
تصور معنای
موضوع له

تصور لازم
بین معنای
موضوع له
• قرینه صارفه

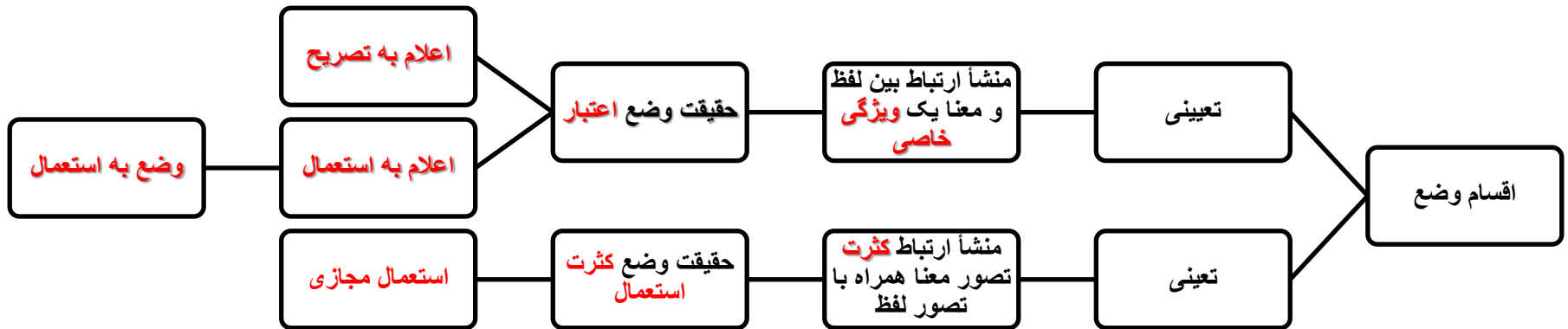
وضع یکی از مناشیء ظهور



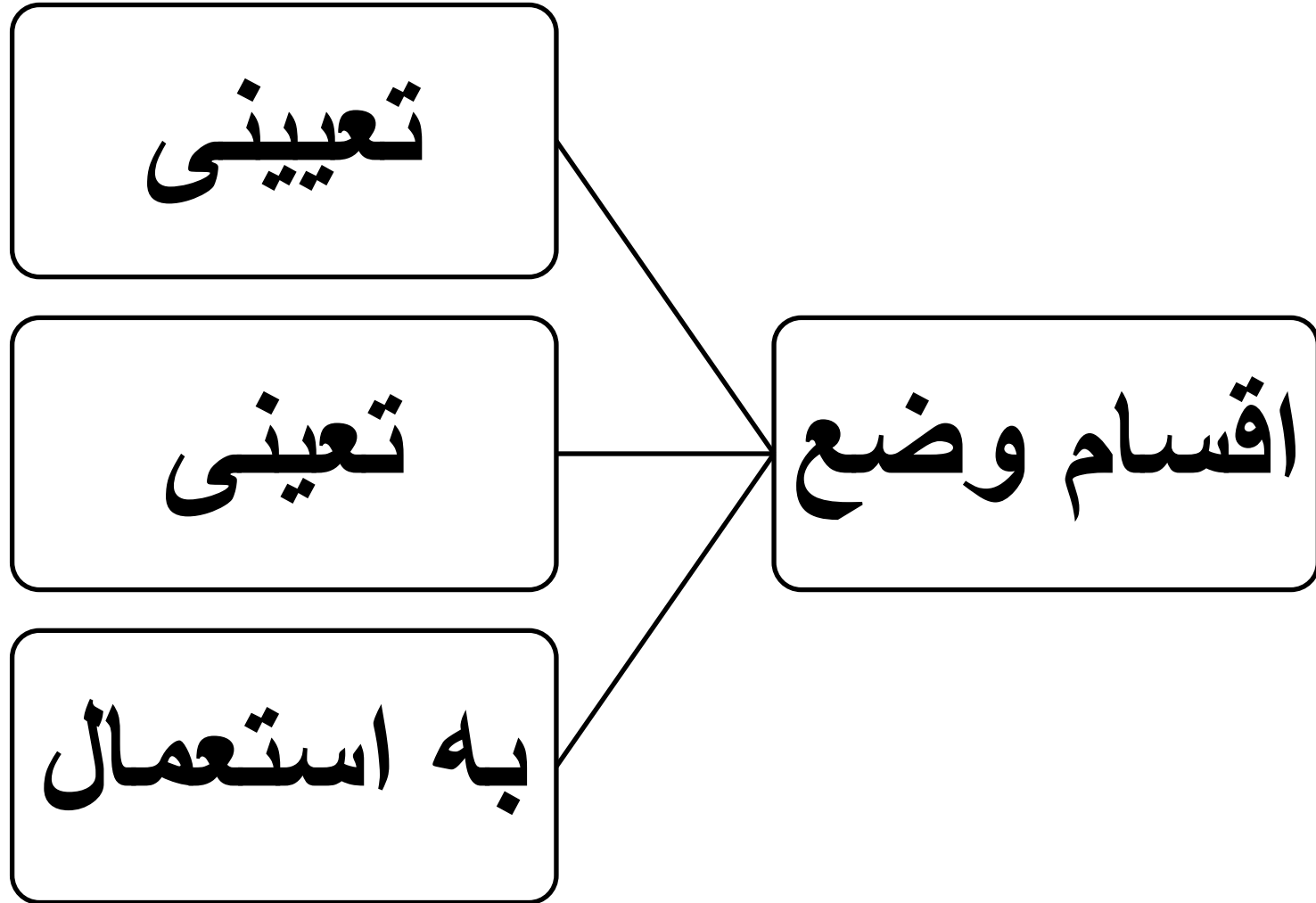
وضع یکی از مناشیء ظهور



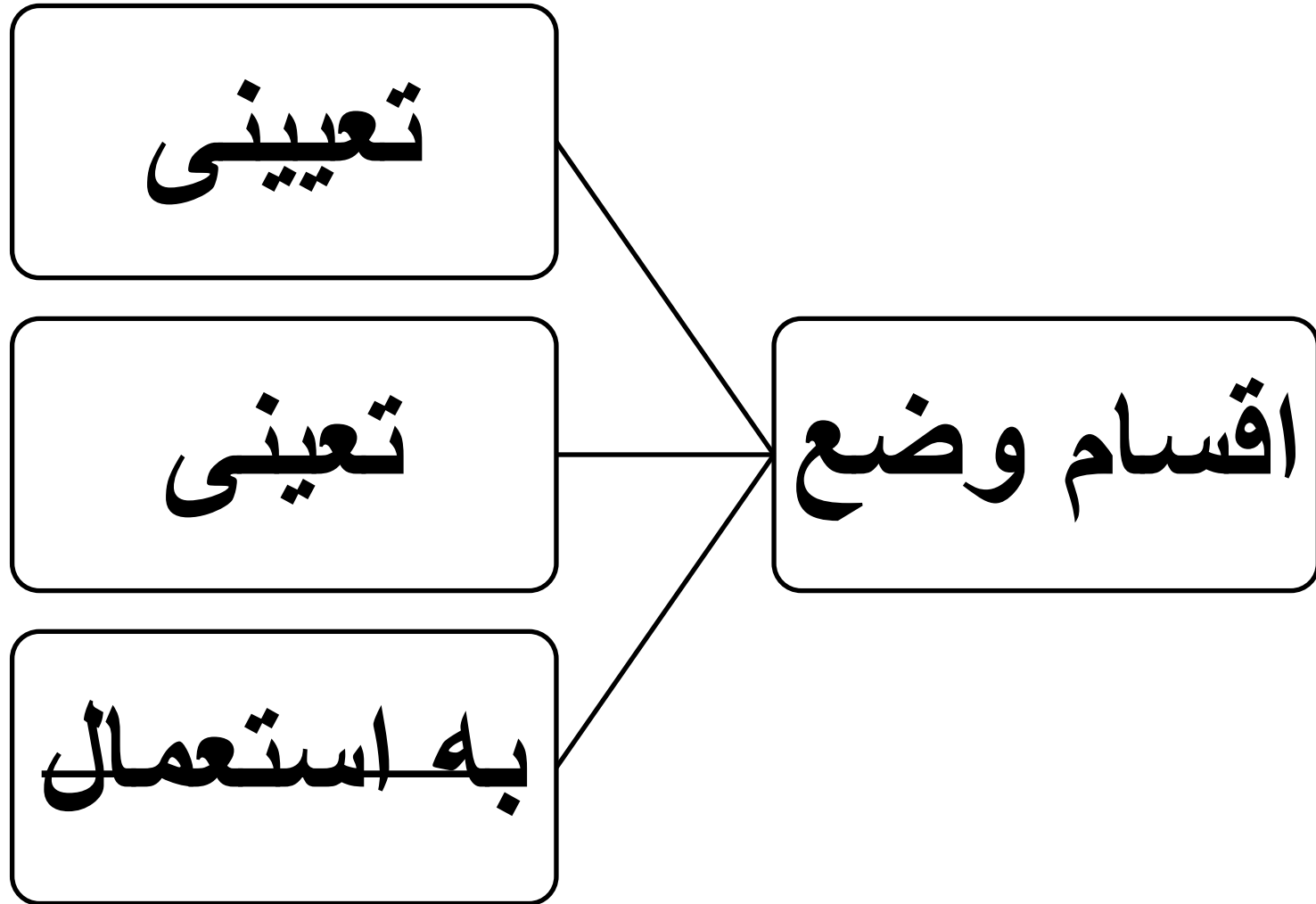
وضع یکی از مناشیء ظهور



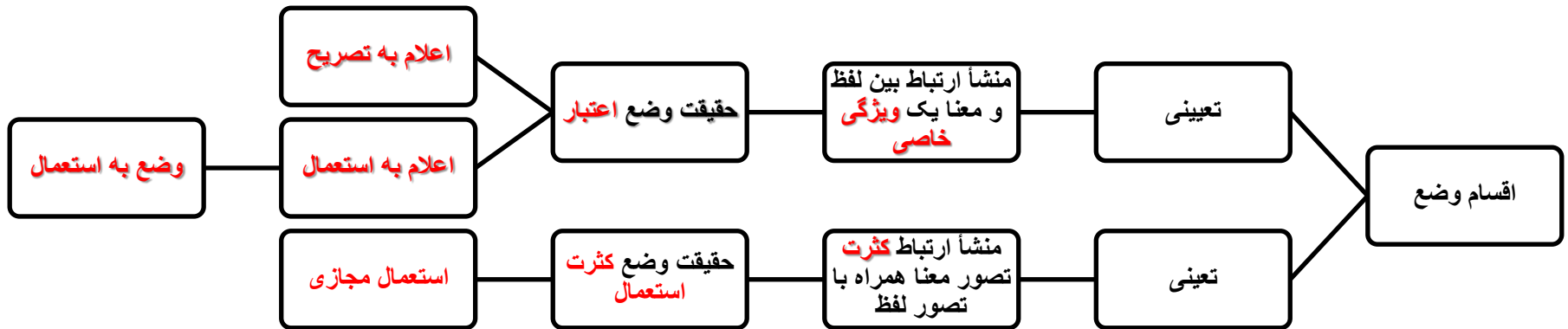
وضع یکی از مناشیء ظهور



وضع یکی از مناشیء ظهور



وضع یکی از مناشیء ظهور



فایده بحث از حقیقت شرعیه

- در وضع تعینی چه در جایی که اعلامش به صراحت باشد و چه اعلامش از طریق استعمال باشد، آن کیفیت، باعث وضع است. به همین دلیل در یک زبان هر کسی نمی تواند اقدام به وضع کند. وضع تعینی در نظر عقلا به یک موقعیت های خاص مربوط است در حالی که وضع تعینی ممکن است توسط هر کسی اتفاق بیفتد بدین صورت که توسط یک فرد یا یک گروهی از افراد کثرت استعمالی رخ دهد و کم کم باعث شود که این لفظ در این معنا وضع شود.

فایده بحث از حقیقت شرعیه

- باید توجه داشت در جایی که استعمال صرفاً طریقی برای اعلام وضع باشد و نه منشأ وضع، وقتی در ابتدای کار استعمال می‌کند، از آنجا که مخاطبین هنوز قبل از این استعمال او از وضع و موضوع له خبر ندارند، ناچار است با قرائنی مراد خود را نشان دهد؛ مثلاً در همین مثال قبل پدر می‌گوید حسن را بیاورید تا در گوشش اذان بگویم. پرواضح است که مقصودش همین بچه‌ای است که تازه به دنیا آمده است و نمی‌خواهد در گوش بچه‌هایی که ۲۰ سال پیش به دنیا آمده است، الآن اذان بگوید!